سازمان میراث فرهنگی کشور

پژوهشگاه

زبور پهلوی

پژوهش: سعید عریان

بسم الله الرحمن الرحیم

عریان، سعید، ۱۳۲۹ـ
زبور پهلوی (متن پهلوی، حرفنویسی، آوانویسی، ترجمه فارسی و یادداشت‌ها) / پژوهش سعید عریان.ـ تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، پژوهشکده زبان و گویش، ۱۳۸۲.
۱۳۳ ص.: نمونه

ISBN : 964-7483-75-9

فارسی - پهلوی.
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۱۰۷] ـ ۱۰۹.
۱. زبان پهلوی ـ متنها. ۲. کتاب مقدس. عهد عتیق. مزامیر داود. پهلوی ـ نقد و تفسیر. الف. عنوان: کتاب مقدس. عهد عتیق. مزامیر داود. پهلوی. ب. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه). پژوهشکده زبان و گویش. ج. عنوان.
۲ز ع ع / PIR۲۰۵۱ ۰۶/۰ فا ۴
کتابخانه ملی ایران ۱۱۷۲۱ ـ ۸۲ م



معاونت معرفی و آموزش

نام اثر: زبور پهلوی
پژوهش: سعیدعریان
ناشر: معاونت پژوهشی، پژوهشکده زبان و گویش
ناظر فنی و هنری: محمدرضا میری
نوبت چاپ: چاپ اوّل ۱۳۸۲
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
طرح جلد: خسرو نوروززاده چگینی
حروف چینی و صفحه آرایی: فرزانه محمدی
لیتوگرافی: طیف نگار
چاپ و صحافی: دیدآور
مجری طرح: مؤسسه فرهنگی هنری پیشین پژوه، تلفن ۸۰۰۱۰۸۹
شابک: ۹-۷۱-۷۴۸۳-۹۶۴
نشانی ناشر: تهران، خیابان آزادی، سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی
تلفن: ۶۰۱۶۳۶۷ ـ نمابر ۶۰۰۲۹۴۴
پست الکترونیکی: www.iranmiras.org

قیمت: ۱۶۵۰ تومان

... و آتینا داودَ زبوراً.

نسا ۱۶۳

تقدیم به همسر بردبارم
که با شکیبایی همراه با فرزانگی‌اش
پیوسته یاریم کرده است.

فهرست

مقدمه:

از آثار مسیحی دوره ساسانی که به پهلوی نیز ترجمه شده و پس از گذشت زمانی دراز بدست ما رسیده، پاره‌ای مزامیر است که به زبور شهرت یافته است. این اثر که در میان آثار پیدا شده از ترفان بدست آمده از زبان سریانی به پهلوی ترجمه شده و مترجم و یا مترجمین آن پیرو آیین نستوری بوده‌اند.

در مورد تدوین و کتابت این متن برخی بر قرون نخست و دیگر هجری مقارن با قرون هفتم و هشتم میلادی[۱] و برخی بر تعلق متن به قرن ششم و کتابت آن به قرن هشتم تاکید دارند[۲]، در حالیکه بسیاری از واژه‌ها و ساخت و بافت‌های صرفی، واژگانی و نحوی متن، پیشینه بیشتری را به آن نسبت می‌دهد[۳].

توضیح و شرح مربوط به متن زبور پهلوی نخستین بار در سال ۱۹۱۰ توسط آندریاس در صفحات ۸۷۲-۸۶۹ «گزارش گردهمایی فرهنگستان علوم پروس» (S.P.A.W[۴]) منتشر شد و پس از مدتی با موافقت پرفسور واکرناگل[5]، یاکوبسن[۶] و لومل[۷] کلیه کارهای انجام شده توسط آندریاس و نیز مدارک موجود مربوط به پژوهش متن زبور و همچنین تمام یادداشت‌ها در اختیار کای بار[۸] قرار گرفت. وی نیز پس از کار مداوم روی متن، کنترل دقیق ترجمه‌های موجود با متن

اصلی و نیز قطعی کردن قرائت‌های احتمالی آندریاس و همچنین استفاده از کلیه یادداشت‌های خود، سرانجام در سال ۱۹۳۳ متن مذکور را در «گزارش گردهمایی فرهنگستان علوم پروس» (S.P.A.W) صفحات ۱۵۲-۹۱ باضافه ۱۱ لوحه از عکس‌های متن اصلی زبور در برلین منتشر نمود[۹].

متن زبور پهلوی مزامیر ۹۹/۶-۹۴/۱۷، ۱۴۲-۱۱۸/۱۲۴ و ۱۳۶/۳-۱۲۱/۴ را در بر می‌گیرد و علاوه بر ناقص بودن برخی از مزامیر، در بسیاری از موارد دچار آسیب دیدگی شدید نیز شده است. در هریک از صفحات متن اصلی از ۱۸ تا ۲۱ سطر با خط زبور که خطی است میان پهلوی کتابی و کیتبه‌ای تحریر شده[۱۰] و از پاره‌ای صفحات نیز جز چند سطر ناقص و یا چند واژه چیزی برجای نمانده است.

در متن منتشره از سوی آندریاس ـ بار به ترتیب سطری به پهلوی با حرفنویسی عبری و سطری دیگر با ترجمه و خط سریانی سطرنجیلی به تحریر در آمده و در زیر هر صفحه نیز متن مربوطه به آلمانی ترجمه شده است. نکته قابل ذکر در متن آندریاس ـ بار اینکه از مزمور ۱۲۷-۱۱۹/۱۲۴ تا پایان متن، شماره مزامیر نسبت به متون دیگر زبور از جمله متن فارسی، سریانی، عبری، ایتالیایی، انگلیسی، یک شماره کمتر است[۱۱].

این متن علیرغم قلت حجم دارای ویژگی‌های خاصی است که در متون دیگر پهلوی یا اصلاً دیده نمی‌شود و یا بندرت مشاهده شده است. این ویژگی‌ها بطور اجمالی عبارتند از:

۱- نوشتار متن هم دارای ویژگی‌های کتابی است و هم دارای ویژگی‌های کتیبه‌ای. بطور مثال y- پایانی در ساخت‌های اسمی از خصوصیات نوشتاری کتیبه‌هاست که در این متن کاربرد عام دارد.

۲- در متن، ویژگی‌های صرفی پارتی و پهلوی به گونه‌ای آمیخته دیده می‌شود. در این خصوص می‌توان به شناسه‌های جمع پارتی ūn- و ān ـ که در این متن بکار رفته اشاره نمود. در این مورد نگاه کنید به یادداشت شماره ۶۲.

۳- کاربرد ترکیبات بسیار نادر که پاره‌ای از آنها منحصر بفرد است. از میان این موارد می‌توان به kēnkārīh (یادداشت شماره ۵) و نیز kunāgar (یادداشت شماره ۵۸) اشاره نمود.

۴- کاربرد واژه‌هایی که تاثیر پذیرفتن آنها از فارسی نو آشکار است. از جمله این واژه‌ها باید به andāxtan (یادداشت شماره ۲۳)، āmōz (یادداشت شماره ۳۳) اشاره کرد. این امر یکی از مواردی است که ظاهراً تعلق متن را به پیش از قرن نخست هجری مورد تردید قرار می‌دهد. باتوجه به بسامد ساخت‌های واژگانی، صرفی، نحوی کهن، املاهای تاریخی، واژه‌های دخیل

غیر ایرانی و در مقابل آن قلت موارد متاثر از فارسی‌نو، نظر نگارنده بر این است که این نمونه‌ها نه تنها تعلق متن را به دوره ساسانی مورد تردید قرار نمی‌دهد، بلکه ظهور و رشد و حتی رواج نسبی فارسی نو را نیز همگام با پهلوی در دوره ساسانی مدلل می‌دارد. بعبارت دیگر پذیرش این امر که مسیحیان دوره ساسانی تمایل به ترجمه آثار دینی خود به زبان رسمی داشته‌اند منطقی‌تر به نظر می‌آید تا اینکه به سبب وجود تنها چند واژه متاثر از فارسی نو این فرض را بپذیریم که آنان تمایل به ترجمه آثار دینی خود به زبانی داشته‌اند که از مدتها پیش فاقد رسمیت و پشتوانه سیاسی شده بود.

۵- کاربرد واژه‌های اسمی و فعلی دخیل آرامی. در این‌جا باید خاطرنشان کرد که این واژه‌ها از هزوارش‌ها که تعداد آنها نیز در متن کم نیست جدایند. هزوارش‌ها تنها یک پدیده خطی هستند که پیوسته مترادف پهلوی آنها در زبان مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالیکه واژه‌های دخیل به همان صورت اصلی و زبانی خود بکار میروند. آندریاس - بار، در واژه‌نامه خود پاره‌ای از این موارد را بدون هیچگونه برابر نهاد پهلوی، هزوارش دانسته‌اند. در این مورد جالب اینکه صورت‌های فعلی دخیل به قیاس از هزوارش‌ها در صرف شناسه‌های پهلوی گرفته‌اند. توجه به این امر ما را با گسترش راه‌های واژه سازی و نیز بویژه تسامح منطقی زبانی در واژه‌سازی از عناصر زبانی بیگانه برپایه توانمندی‌های پهلوی و همچنین فعال نمودن فرایند اشتقاق از ماده فعلی در زبان آشنا می‌سازد. البته نمونه‌های دیگر این نوع واژه‌سازی در زبان پهلوی فراوان دیده می‌شود و که از آن جمله باید افعال برساخته از اسم اشاره نمود. به تمام موارد فوق در یادداشت‌های پایان این پژوهش اشاره مبسوط شده و نیز برای ایجاد سهولت در کارها نمایه‌ای نیز از آنها تنظیم شده است.

۶- ترکیب و کاربرد گسترده ضمایر متصل با حروف اضافه و ربط همانند u-ti-šān ،čē-t-išān، u-m-it و غیره. کاربرد این نمونه‌ها در این متن منحصر بفرد است.

۷- کاربرد املاهای منحصر بفرد همانند dlyw>y برای واژه «دریا»، hw>mwš برای اوژه «خاموش» ، lwsp برای واژه «روز»؛ ونیز تاخر حرف اضافه abar بر ساخت اسمی و نیز بر ساختن وجه مصدری از بن ماضی همانند wardādišn abar. به تمام این موارد در یادداشت‌ها اشاره شده است.

۸- کاربرد حرف عطف -p> به تنهایی. این مورد نیز از ویژگی‌های منحصر بفرد این متن است. نگاه کنید به یادداشت شماره ۴۵.

۹- نقطه گذاری در متن اصلی زبور بنا برسنت کتابت در آن دوره دیده نمی‌شود و در متن آندریاس - بار نیز این امر نابسامان است. بعبارت دیگر در متن آندریاس - بار بسیاری از موارد

نقطه‌گذاری شده بی‌مورد است و رعایت آن مفهوم جملات و عبارات را برهم می‌زند. از این روی شیوه فوق در حرفنویسی رعایت شده تا از این نظر ناهماهنگی ایجاد نشود ولی در ترجمه فارسی به سبب اهمیت معنا و مفهوم متن نقطه‌گذاری به روش دیگری انجام شده است.

۱۰-ویژگی بسیار مهمی که در این متن از زبور دیده می‌شود و آنرا از تمام متون مشابه متمایز می‌سازد وجود بندها و قطعاتی است که در متن حرفنویسی و آوانویسی با عنوان kanon و در ترجمه فارسی با عنوان «قانون» مشخص شده است.
نگارنده این قطعات را در هیچیک از متون موجود زبور به زبانهای گوناگون نیافت حتی در پاره‌ای موارد در برابر بند قانونی نقل شده به پهلوی برابر سریانی نیز نیامده است (نگاه کنید به یادداشت شماره ۲۷). این امر تنها در مورد بندهای قانونی صادق نیست بلکه بندها و عبارات دیگر نیز کم و بیش مشمول این وضعیت هستند. بعبارت دیگر در زبور پهلوی عباراتی آمده است که در هیچیک از ترجمه‌های موجود دیده نمی‌شود از آن میان نگاه کنید به یادداشت‌های شماره ۳۷و۱۱۶. مسئله دیگر اینکه متن زبور پهلوی با ترجمه‌های موجود از نظر بیان مفاهیم، کاربرد تشبیهات و استعارات عمدتاً متفاوت است.
این امر باندازه‌ای گسترده است که برای نگارنده راهی بجز انجام یک پژوهش تطبیقی و دقیق باقی نگذاشت. تمام این موارد به تفصیل در یادداشت‌ها مورد اشاره قرار گرفته است.
برای آگاهی بیشتر از بخش‌های قانونی اول و ثانی کتاب مقدس، نگاه کنید به هاکس ۱۹۲۸ زیر مدخل «ابوکریفا» ؛ و نیز کتابهایی از عهد عتیق، ص ۵۷-۴۹.

در مورد پژوهش حاضر اشاره به نکات زیر ضروری است:

الف: همانگونه که در ویژگی اخیر متن گفته شد، تحریر پهلوی از نظر بیان با ترجمه‌های موجود که عمدتاً برپایه متن یونانی صورت گرفته و نیز حتی در پاره‌ای موارد با متن عبری متفاوت است. نگارنده ضمن اینکه کار پژوهش را به‌گونه تطبیقی انجام داده، در ترجمه فارسی، متن پهلوی را اساس قرار داده و به تفاوت‌های آن با ترجمه‌های دیگر در یادداشت مربوطه اشاره نموده است.

ب: پاره‌ای از واژه‌ها در متن به شدت آسیب دیده بطوریکه تنها نشانه‌هایی از آنها باقی مانده است. در متن حرفنویسی این نشانه‌ها آمده‌اند اما در متن آوانویسی و ترجمه فارسی بدلیل اینکه قابل قرائت نیستند دیده نمی‌شوند.

پ: نشانه‌های قلاب پرانتز و غیره که در متن حرفنویسی آمده و نشاندهنده بازسازی واژه، جمله و عبارت است، در متن آوانویسی و ترجمه فارسی نیامده‌اند؛ زیرا هم آوانویسی و هم ترجمه فارسی برپایه متن حرفنویسی که قطعیت نسبی آن پذیرفته شده انجام گرفته است. گذشته از آن در این گونه متون، آوانویسی و حرفنویسی بویژه در هزوارش‌ها قابل انطباق نیستند. در متن آوانویسی تنها از نشانه + روی واژه جهت نشان دادن بازسازی آن استفاده شده است.

ت: شماره‌های کناره چپ در متن حرفنویسی و آوانویسی و کناره راست در ترجمه فارسی نشاندهنده شماره سطرها در متن پهلوی زبور است و با شماره بندهای بخش‌های گوناگون متن زبور متفاوت است.

ث: در پژوهش حاضر از دو ترجمه فارسی، متن عبری مزامیر کتب مقدس، متن ایتالیایی و نیز متن انگلیسی آن بهره گرفته شده است. در یادداشت‌ها هرجاکه عبارت «ترجمه فارسی» به کار رفته منظور ترجمه نخست یعنی «کتاب مقدس یعنی کتب عهد عتیق و عهد جدید»، و هرجاکه عبارت «در ترجمه دیگر فارسی» بکار رفته منظور ترجمه دیگر یعنی «کتاب المقدس وهوکتب العهد العتیق» است.
برای مشخصات کامل متون، نگاه کنید به فهرست منابع، پ: متن‌ها.

ج: برای حفظ اصالت متن، در ترجمه فارسی چیزی به جملات و عبارات افزوده نشده و در صورت نیاز به توضیح بیشتر و یا وجود ابهام، بحث مربوطه بصورت مفصل در یادداشت‌ها انجام گرفته است.

چ: در حرفنویسی، متن اصلی زبور پهلوی اساس پژوهش قرارگرفته است. از این روی در پاره‌ای از موارد به تفاوت‌های موجود میان حرفنویسی نگارنده و متن آندریاس - بار در یادداشت مربوطه اشاره شده است. البته بازسازی آندریاس - بار نیز در اکثر موارد رعایت گردیده است.

ح: در متن آندریاس - بار، واژه‌نامه‌ای نیز تدوین شده است. نگارنده تنظیم واژه‌نامه برای متن را در این پژوهش ضروری ندید زیرا امروزه واژه‌نامه‌های موجود پهلوی همانند Mackenzie, D.N.1971,A concise Pahlavi Dictionary,London و نیز Nyberg, H.S.1974,A Manual of Pahlavi, Vol.2, Wiesbaden اکثر صورت‌های زبوری را در خود جای داده‌اند. مواردی نیز که در این واژه‌نامه‌ها نیامده، تماماً در یادداشت‌های متن حاضر مورد بحث قرار گرفته‌اند. در نتیجه افزودن یک واژه‌نامه حتی بسیار مختصر می‌توانست تنها به حجم این پژوهش بیفزاید.

* * *

اکنون که به یاری ذات باری این پژوهش با تمام دشواریهایش پس از حدود دوسال به انجام رسیده است جای دارد که مراتب سپاسگزاری نیز بجای آورده شود:

از استاد همیشه‌ام شادروان دکتراحمد تفضلی که برگردن من پیوسته حقی‌گران دارد و من در تمام مراحل انجام این پژوهش یاد او رازنده کردم.

از استادگرانقدرم بانو دکترژاله آموزگار، من پهلوی را نخستین بار از آن بانو آموختم. شیرینی نخستین آشناییِ‌ام با زبان و متون پهلوی در کلاس درس ایشان را هرگز فراموش نمی‌کنم.

از همه استادانی که مستقیم و غیرمستقیم جویای دانش آنان بودم و از کلاس و نیز آثار آنان بهره‌ها برده‌ام. حق آنان نیز برگردن من گران است.

* * *

از جناب آقای مهندس بهشتی مقام محترم ریاست سازمان میراث فرهنگی کشور که همپرسگی با ایشان پیوسته راهگشا بوده است.

از جناب آقای جلیل گلشن معاون محترم پژوهشی و نیز جناب آقای سید احمد طباطبایی معاون محترم معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی کشور که موجبات انتشار این اثر را با سعه صدر فراهم کردند.

* * *

از خانم فرزانه محمدی که با دقت و توجهی ویژه انجام کلیه امور فنی این اثر را پذیرفتند و بخوبی از عهده آن بر آمدند.

سعید عریان

تهران ۱۳۸۲

یادداشت‌های مقدمه:

۱ ـ نگاه کنید به تفضلی ۱۳۷۶، ص ۳۵۳.

۲ ـ نگاه کنید به، ابوالقاسمی، محسن ۱۳۷۵، راهنمای زبانهای باستانی ایران، جلد اول، ص ۱۶۳.

۳ ـ تمام موارد مربوطه در یادداشت‌های متن مورد اشاره و بحث قرار گرفته است.

۴- sitzungsberichte der preuβ B.Akademie d.Wissenschaften

۵- J.Wackernagel

۶- H.Jacobsohn

۷- H. Lommel

۸- Kaj Barr

۹- Andreas, Barr 193, pp.91-94

۱۰ ـ برای آشنایی با نشانه‌های نوشتاری زبور نگاه کنید به:

Mackenzie, D.N. 1971, A Concise Pahlavi Dictionary, London, P.XI.

۱۱ ـ در این مورد نگاه کنید به همین پژوهش، یادداشت شماره ۳۰ متن.

زبور پهلوی

۱ـ متن: حرف نوشت

PS. 94 17b-20

Tafel I
Fol. 1r.

1 [ ] // y

2 [ ]gwpty

בהדד

3 [...(b)...]yhym ZY

4 [LK MRWHY ... PWN wsyhy ZY wy](s)ndkyhy

5 [ZYm dyly ....]HYA

6 [g>swky ZY]dlwcn>n

7 [MNW slšty dlwby MDM >dwyny]ZY LK

PS. 94 21-23 , **95** 2

8 [HY](A) ZY >lt>y
9 [O](BY)DWNd. APm
10 [bwty MRWHY ....] APm yzdty
11 [ ]wld>dyšn MDM
12 [dlwby ZY OLEšn]. APšn PWN
13 [O]BYDWN>t. hw>mwšy
14 [OBYDWN>t MRWH yzdty] ZY LN(E *) ZY

Fol. 1v.

1 // [APš]

PS.95 3-6

2 PWN slw(k)[y st>dmy ME yzdty]
3 ZY LBA [MRWHY. štld>l ZY]
4 LBA [MDM KRAwspy yzdt>n MEš]
5 PWN [YDE]
6 /// [ ]
7 NPŠE AY[TY dlyw>y APš]
8 BNPŠE k[lty APš]
9 dšny slšt[y]
10 SGDE YBLWNm. (W) [>plyny OBYDWNm OL]

PS.95 7-9

11 yzdty MNW klt[y HWEm. ME]

12 AYTY yzdt[y ZY LNE]

Tafel II
fol. 2r

1 [W LNE NPŠE lmy AP]š [A]LLN ZY
2 [ ]ḤT w>ngy
3 [OŠMENyt. AL O(B)YDWNy]t stpty
4 [dyly ZY LKWM OLš k](y)nk>[l]yhy W cygwn ZK
5 [YWM] ZY BYN dšty
6 APt >m[>ty HWE]m ptlwny ZY LKWM

PS. 95 9-11, **96** 1

7 APšn (>c)mwty APšn dyty kwnšny
8 [ZY] LY (XL Š)Nt. lyškyn bwtm PWN
9 [ZK >wb>t] APn gwpty AYK lmy HWEnd
10 MNW(š) [z .... d]yly [AP]šn LA
11 d>nst[y l>sy ZY LY. cygwnm] swkndy
12 OŠTEn(t) PWN dypšny. LAm OLLWNd OL
13 ws>ny *ZY XCVI *st>dyt
14 [O]L MRWHY šwbh> ZY nwky. st>dyt
15 [O]L MRWHY [hmk]y zmyk. ***kanon*** st>dytky
16 AYTY >mtšnt mšyh>y p>lwk>
17 [ZY] >wb>m. ZYt >lc>n kltm AYKt

PS. 96 2-6

18 [LW]TE w>[t]ynn st>dmy. st>dyt
19 [O]L MR[WHY A]Pš >plyny OBYDWNyt

Fol. 2 V.

1 (ŠM) ///// [ ]
2 pwlkn>. ptpwl[syt PWN lm>ṅ >kl>]
3 APš PWN KRAw[spy lm>n kwnšny]
4 ME LBA AYT[Y] MRW[HY W st>dytky]
5 >pyl. W tlsk>wn[dy MDM KRAwspy]
6 yzdt>n. ME KRAwspy [yz(d)t>]n ZY lm>n
7 twḥyk ḤWEn(d) W MRWHY >(s)[m]>n klt[y]
8 ptlwkš W st>dšny[p]yš[ydy]
9 stwmnyhyš W st>d(š)[ny] B[Y]N

PS. 96 7-10

10 m>ndy. YḤBW[Nyt O]L [MRWHY ....]ydy
11 ZY lm>n. Y[Ḥ(B)WNyt OL MRWHY] (š)wbh>
12 W >kl>. YḤBWNyt OL MRWHY >kl> OLš
13 ŠM. YNSBWNyt p>dlky APš OLLWNyt
14 OL m>ndy. SGDE YBLWNyt [O]L MRWHY
15 BYN sl>wlty ZYš p>kyhy. wcnd>t(y)[š]
16 pyšydy ḥmky zmyk. gwbyt BYN lm(>)[n]
17 AYK MRWHY bwty štld>[l] APš
18 wn>lty kšwbly AYK L[A wcnd]>t

PS. 97 12b, **98** 1-2

Tafel III
fol. 3r

1 [byty OL >by>]tk>lyḥy ZYš p>kyḥy *ZY XCVIII*

2 [st>dyt OL MRW]HY šwbh> ZY nwky

3 [MEš wtym>sky]ḥy klty bwhty

4 NPŠ[E dšny W (b)>(d)]wky ZY p>k(y.) ***kanon*** >plyny

5 MNW plk[ťy AP](š) MN ywḥnny >hlwbyt

6 nyndly y[wldn](>)n APš PWN hlwbšny

7 >mwlcy(t)[O](L) wspy. nmwdš MRWḤY

PS. 98 3-5

8 [N]P[ŠE pw](l)kn> APš LOYNY lm>n.

9 [ ]l[ ] NPŠE >lt>dyhy

10 >by>t[š (b)wt]y N[P](ŠE) tybwt>

11 APš w[lw]yšny OL >dyl>n. dyty

12 KRAwspy kn>l(ky) ZY zmyk pwlkn> ZYmn

13 yzdty. (s)[t>dy]t OL MRWHY hmky zmyk

14 š>t[y] byty [W st]>dyt šwbh>

15 [st>]dyt[OL MRWHY] PWN kn>ly. PWN

16 [w>ngy ZY st>](dšny.) PWN n>dy

PS. 98 6-9, **99**

17 [W PWN w>ngy ZY šy]pwly. st>dyt LOYNY

18 [štld>l MRW]HY. cnd>t d[l]yw>y

19 [k](šw)bly APš KRAwspy

fol. 3v.

1 m>ḥm>n. W lwtcpn>[ ]

2 W kwpc st>d>ndy [LOYNY MRWHY ME]

3 YATWNt >nd>ḥtny [OL zmyk. >nd>c](yt)
4 kšwbly [P]WN >lt>dy[ḥy W lm>n] PWN
5 l>styḥy *ZY XCIX*

PS.99 1-4

6 šwbh> *MRWHY bwty št[ld>]l
7 cnd>ndy lm>n. YTYBWNt [M]DM [.] šdmky
8 ZY w>tyny cnd>t zmyk ***kanon*** [ ]/n [ ] w
9 nmwty >n(g /// ḥys)[ ]
10 APš OL ///// [ ]c>t
11 klty MN (>ḥw>)dšny ZY (b ///d)y. MRWHY
12 LBA BYN s̤hydwny. W >ḥlwpty MDM
13 KR>wyspy lm>n. bwltšn[wḥ]l(š) YHWWNd
14 OL ŠM ZY LBA W [tlsk>w]ndy. M[E]
15 p>ky AYTY stwm[nyhy Z]Y MLKA
16 dwsty DYNA. LK [wyl>sty l]>st[yḥy]

PS. 99 5-6, **119** 124-127

17 W DYNA. W zdykwt> [PWN y>kwpy LK klty.]
18 >pldlš OBYDWNyt O[L MRWHY yzdt ZY LNE]
19 OSGDE YBLWNyt OLš[nš>lšny ZY]
20 LGLE. p>ky HWEnd mw[š>y]

Tafel IV
fol. 4r

1 OBYDWN LWTEt OBDK cygwnt lhmydy

2 APmyt >ndlcy >mwcy. OBDKt ḤWEm
3 >k>sm OBYDWN APt YDOYTN>n gwk>dyḥy.
4 ODNA AYTY YPLHWNtn OL MRWHY APtyšn
5 >ynky >n>pty >dwyny. HNAt (l>)dy

PS. 119 128-130

6 dwsty bwtm >ndlcy pl>y AYK ZHBA
7 W AYK sky ZY TB. KRAtwspy
8 >ndlcy dwsty bwtm APm NTLWN>t.
9 W h>mdwyn l>sy ZY dlwcn>n š[>n]h
10 bwtm *LBAt HWEnd gwk>dyhy
11 HNA l>dy NTLWNt HWEnd [HYA ZY LY.]
12 ***Kanon I*** bwcy MRWHY OLt ŠM dw(>) [...... MNW]
13 >wšn>lyndy. ME nšd[>t]y
14 [l]>styhy *ŠLYTn NPŠE [MRY]A
15 [W l]wšny OBYDWN. >k>sm OBYDWN [O]L

PS. 119 131-135

16 [>n]>k>sy. PWMEm ŠLYTNt [AP]m
17 [>]y>pty w>ty. APm >wlw>c[s]ty
18 [OL]t >ndlcy. wld>m >wbšy A[Pm]
19 [ ]t>dy PWN DYNA MEt dwst[y]
20 [bw]ty HWEm ŠM. wyl>d>m g>my

fol. 4v.

1 PWNt šwb>n. APm AL >yw YHWWNt

2 p>thš>dy ptšy dlwcny. bwc>m
3 MN nšd>tyhy ZY mldwmy AYKt
4 NTLWN>n >ndlcy. lwšny OBYDWN lwdt
5 MDM NPŠE OBDk. APmyt >mwcy

PS. 119 136-139

6 >dwyny. ywdm ZY MYA YATWNt MN
7 AYNE MEtyšn LA NTLWNt >dwny*
8 >lt>dy HWEw MRWHY. APt >pyl
9 l>[st]y HWEnd DYNA. ***Kanon II*** k>my MRWHY
10 PWN [LNE A]Pmn bwcy. AYKt YDOYTNd
11 [w]ydyptk>n. >by>tm bwty
12 [gwk>dyhy ZY] LK PWN >lt>dyh AP
13 [PW(N) wlwyšny >py]l. z>lnyt HWEm >lšk
14 ME[ty]šn plmwšyt MRYA š>nhn.

PS. 119 140-142, **122** 4-5

15 wc[ytk]t AYTY MRYA >pyl APty(š)
16 OBD(k dw)sty bwty. kwtkm W lwly
17 AP[my]t >ndlcy LA plmwšyt.
18 >[lt>]d[y]hy l>sty W wndlt(y)
19 YK[O]YMWNt LOLMN. APt >dwyny w>plyk[n].

Tafel V
fol. 5r.

1 OL >dyly. bwltšnwhly bwtny OL ŠM

2 ZY MRWHY. MEšn TME nyd>t g>swky
3 ZY d>twbl>n l>dy. g>swky ZY d>wytk>n [.]

PS. 122 6-9, 123 1-2

4 pwlsyd PWN ŠRM ZY >wlyšlmy. [>]ywt
5 YHWWNd PWN >s>dšny dwst[y. >]ywt
6 YHWWNt ŠRM PWN zwly W >s>dy[š]ny PWNt
7 plyw>ly. pts>m AHYtlyn A[Pm dw]stn.
8 gwb>n Lk l>dy ŠRM. pts[>y (B)YT]A
9 ZYmn MRWHY yzdty. BOHWN>n [PWN .....]y
10 ZY LK *ZY C W XXII* OLm[yt lwny]
11 >hl>pty AYNE MNE m>nšny P[W(N) >sm>]n
12 ***Kanon*** >wdy HWTAN MKBLWN>mn swtykly[hy AP]
13 >pswsydyndy twl>kl>nt. c[ygwn] AYNE

PS. 123 3-4, 124 1

14 ZY OBDK>n OL MRWHY lwny: W cygwn AYNE
15 ZY knyšky OL b>nwky lwny. >ywm>n
16 >ngwn AYNE OL LK MRWHY yzdty ODm>n
17 >phš>d>y MDM. >phš>d(m>)n
18 MDM MRWHY lhmydmn MDM. ME KBYR
19 [>]phltyhy sgly bwty HWEm. W KBYR
20 sgly bwty HYA ZY LNE, >pswsy

fol. 5v.

1 ZY lwsw>kl>n. W >phltyhy ZY

2 shykl>n *ZY C W XXIII* HTmn LA

PS. 124 2-6

3 ME MRWHY YKOYMWNt HWEd. >yw gwbyt
4 >dyl[y]. HTmn LA ME MRWHY YKOYMWNt
5 HWE[d.] ***kanon*** >plyny AYTY kwn>klmn MNW bwcyt
6 OLš [ṇm](>)cbl>n MN bckl>n AMTm>n
7 >ḥ[s]ty HWEnd MDM mldwmy ADYNšn
8 zywnd[ky >]wp>lty HWEm. AMTšn
9 >h(s)[ty]dypsty MDM LNE APšn
10 PWN [MYA >h]lwbyt HWEm. APm>n
11 [w](t)lty LCDr HYA. AP
12 M[YA Z]Y KBYR wtlty LCDr HYA ZY
13 LNE[. >P]lyny AYTY MRWHY MNW LA d>tm

PS. 124 7-8, 125 1-2

14 hwldy(k)[y OL]šn KKA. HYAmn cygwn wncšky
15 ZY lsty MN tlky ZY cynk>n. tlky
16 hwldy bwty W LNE bwhtm. hdyb>lyhymn
17 PWN ŠM ZY MRWHY OLE MNW klty >sm>n
18 W zmyk *[Z]Y C W XXIV* OLEšn MNW SBRA
19 PWN MRWHY PWN kwpy ZY shydwny LA
20 wcand>ndy BRA LOLMN YTYBWNd. ***kanon*** LA hklcy
21 wcndydyndy wyl>stkn MNWšn MDM MRWHY

Tafel VI
fol. 6r.

1 AYTY wst>hwyhy. >wlyšlmy kwpy

PS. 125 3-5, **126** 1

2 pyl>mwny: W MRWHY pyl>mwny NPŠE
3 lmy. MN KON W OD LOLMN. MEš LA
4 ws>d>t špšy ZY dlwcn>n PWN
5 bhly ZY >lt>dwny. W LA pl(>l>)d>ndy
6 >lt>y YDE PWN dlwby. klpk OBYDWNt
7 MRWHY OL klpkl>n: OL OLEšn MNW
8 l>sty HWEnd PWN dyly. W OLEšn MNW
9 hwhly šwb>n. swd>tyšn MRWHY
10 LWTE dlwcn>n: W ŠRM MDM >dyly*
11 šwbh> *ZY C W XXV* AM[T] wld(>)t

PS. 126 2-5

12 MRWHY wldky ZY ṣhydwn. b(m)[y] cygwn
13 OLEšn MNW š>ty HWEn[d.] >HLmn
14 MALE b>ty PWME hndky [AP]mn
15 >wzw>n šwbh>. AHL [YMLL]WNd
16 PWN lm>n. KBYRš klty M[RW]HY
17 LWTE OLEšn. KBYRš klty MRWHY
18 LWTE LNE. YHWWNm PWN š>tyh(y)
19 wld>mn MRWHY wldkyhy c[ygw]n

fol. 6v.

1 w>l>y ZY PWN dlyt>k. OLEšn
2 MNW ZLYTNd PWN >lsy PWN š>tyhy

PS. 126 6, **127** 1-2

3 HṢDLWNd. SGYTNt
4 W glydty ZK MNW b>ly twmy. YATWNt
5 YATWNt PWN š>tyhy ZK MNW
6 b>ly w>py *ZY C W XXVI*
7 HT MRWHY LA plkyndy BYTA
8 twhyk lḥtyndy MNW plknyndy
9 ***kanon*** wst>hwyhymn MDM yzdty AYTY ZY
10 BN(PŠE A)YTY ptwšm>lkly ZY
11 wspy [.] HT MRWHY LA NTLWNt gwlny,
12 ADYN(š) twhyk >hwmny YHWWNd
13 p>sp[>n.] twhyk HWEnd OLEšn
14 MNW k[ ]YHWWNd >hstny W dgly

PS. 127 3-5

15 OBYDWNd nšstny. MNW OŠTENd
16 LHMA PWN wysndkyhy. >wgwn
17 (YH)BWN>t OL NPŠE dwšst(y)
18 [dmy]k. ME y>ty ZY MRWHY plc[ndy]

Tafel VII
fol. 7r

1 HWEnd. mzdy ZY bly ZY zh>ly.
2 cygwn HTYA PWN YDE ZY zwlymndy
3 >wgwn plcndy ZY ywb>nyhy >wsty HWEnd.
4 hwnky OLE GBRA MNWšn MALE

5 OBYDWN>t kntyly acšy. W LA
6 š>ls[>]ndy AMT YMLLWNd LWTE

PS. 128 1-3

7 š>nh [PWN] dly *ZY C W XXVII*
8 ḥwnk [y KR](A) MNW tlsyt MN MRWHY
9 APš SGYTNT PWN šwb>n. ***kanon*** >wblny
10 MRWHY NPŠEyt d>šny MDMt OBDkn
11 PWN[t] tybwt>. lncy ZYt YDE
12 AMT OŠTEN>y ADYNt ḥwnky
13 APt ḥwnky OL ḤYA. NYŠEt
14 cygwn st>hy ZY st>dytky
15 PWN d>mny ZY BYTA. plcndt cygwn
16 nm>mk[y] ZYty pyl>mwnt hw>ny

PS. 128 4-6, **129** 1

17 LHNA(š) >wgwn >plyny klyty GBRA
18 MNW tlsyt MN MRWHY. >plyn(t)
19 OBYDWN>t MRWHY MN ṣhydwny. [W]

fol. 7v.

1 wyn>y PWN klpk ZY >wlyšlmy KRAwspy
2 YWM ZYt zywndkyhy. W wyn>y plcndy
3 OLt plcndwn W ŠRM MDM >dyly.
4 *ZY C W XXVIII* KBYRm bwty
5 HWEnd >wšt>pykly M[N l]sykyhy

6 >yw gwbyt >dyly. ***kanon*** OŠMEN [k]lpkly
7 w>ngy ZYmn swtykl[y]ḥy. [AP]mn NTLWN

PS. 129 2-7

8 MN bckly *KBYRm bwty HWEn[d >w](š)t>pykly
9 MN lsykyhy. APmyšn LA t>dyt
10 zwly. MDMšn pwšty klty
11 p>twpl>sy. APšn MDM LY d[g]ly
12 klty nzbwltyhy. MRWHY >lt>y
13 W plsn>t t>hykly ZY d[l]wcn>n
14 š>ls>ndy W wld>ndy >p>lwny
15 KRAwspy š>nh ZY shydwny. YHWWNd
16 cygwn gby> ZY MDM b>ny. hmy
17 ywdty MDM w>ty APš hwšky
18 NSHWNt W hwšty. APš MALE

PS. 129 8, **130** 1-3

19 (>c)šy LA OBYDWNt w>py ywdlwny.

Tafel VIII
fol. 8r

1 W LA >dwšy w>p>ncyny W LA
2 YMLLWNd MNW wtylyndy >plyntn ZY
3 MRWHY LWTE. APmn >plyny klty HWEW
4 PWN ŠM ZY MRWHY *ZY C W XX TŠA*
5 MNm (z)[pl](>)dy KLYTNt HWEW MRWHY

6 yzdty ZY LY APmyt OŠMENt w>ngy
7 >ywt nydwhšyt gwšy w>ngy ZYm
8 swtyklyhy. ***kanon*** klpkly W l>sty W hwt>ny
9 PWN tybwt> lhmydmn MDM. HT

PS. 130 4-8

10 (SY)D[.](A) NTLWNydy MRWHY MNW
11 twb>n [ ] YKOYMWN(t / M)E MN LK >wlwny
12 A(Y)TY hylšn[y] pts>š tlsy
13 pndy NTLWNt HYA ZY LY OL MRWHY.
14 W pn[dy NTLWNt] HYA ZY LY OLš MRYA.
15 pndm N[TLWN]t OL MRWHY MN p>sy ZY
16 špk[y W OD O]L p>sy ZY špky.
17 pndy N[TLW]Nt >dyly OL MRWHY MEš
18 >cšy >wlwny HWEnd lhmydy. APš
19 KBYR AYTY LWTE pwlkn>. W BNPŠE

PS 131 1-2

fol. 8v

1 bwc>t OL >dyly MNš ḥ>md(wy)n
2 dlwby *ZY C W XXX* MRWHY LAm
3 >hlwpty dyly. APm LA >hlwpty
4 HWEnd AYNE. ***kanon*** >hl>m>m MRWHY MN
5 APLA. APt st>dmy AP[t] bwlty
6 šnwhly bmy. W LA SGYTNt HWEm
7 PWN ME msy W stwmndly MN LY. BRAm

8 nlmy klty ṢWLE cygwn >hšylky
9 MDM AMYtl. APm cygwn >hšylky

PS. 131 3, **132** 1-3

10 MDM bwty NPŠE ṢWLE. pnd[y] NTLWNt
11 >dyly OL MRWH[Y] MN KON W [OD L]OLMN
12 šwbh> *ZY C W XXX(I)* >by>tt
13 >yw YHWWNt MRWHY d>wyty APš
14 hmky nzbwltyhy. ***kanon*** mš[yh>y NT]LWN
15 OL wyṣyhy W KBYR OBYDWN (>)[s>]ny PWN
16 >ncwmnyh>y. MNW swknd[y O]ŠTENd
17 OL MRWHY APš ptst[y Y]BLWNt
18 OL yzdty ZY y>kwpy. AYK LA OLLWNn
19 OL >škwpy ZY NPŠE BYTA

PS. 132 4-8

Tafel IX
fol. 9r.

1 W LA slkwn>n OL wstly ZY NPŠE
2 g>sy. W LA YHBWN>n dmyk OL AYNE
3 W LAc (>)wn(>)dšny OL blwk. OD HŠKHWNn
4 gyw>k M[RW]HY l>dy. W wyd>n OL yzdty
5 ZY y>kwp(y.) >ynkmn OŠMEN BYN
6 >plt>y. APmn HŠKHWN PWN kšw>ncl
7 OLLWNmyš OL wyd>n W SGDE YBLWNm
8 OLš nš>lšny ZY LGLE. >hycy

9 MRWHY OL NPŠE ws>ny LK APt

PS. 132 9-12

10 kypwty ZY stwmnyhy. wyṣt
11 ptmwc[>n](d)y >it>dyhy. APt
12 >lt>y šwbh>. pts>y d>wyty
13 ZYt OB[DK] AL OBRWN lwdy ZYt NPŠE
14 >nw[t]ky[.] swkndš OŠTEN
15 MRWHY [OL] d>wyty PWN >wstyknyhy.
16 APš [LA w]ld>t >cšy. AYKt
17 MN bly [ZY KL]SE nšyd>n MDMt
18 g>swk[y.] HTt NTLWNd plcndy
19 >yst>m ZY LY : W ZNE gwk>dyhy
20 ZYšn >ndlcy OBYDWNm; ADYNšn

PS. 132 13-17

fol. 9v.

1 plcndc nšyd>ndy BATL LK. MDM
2 g>swky ZY LK LOLMN ZY LOLMN. MEš
3 k>msty MRWHY PWN ṣhydwny APš
4 wcyty m>nšnš l>dy. ZNEm AYTY
5 ws>ny LOLMN. LTME nšyd>n
6 MEm ZNE >wlw>csty. APš cynk>n
7 >plyny OBYDWN>n. APš škwh>n
8 sgly OBYDN>n LHMA. APš wys>n
9 ptmwc>n pwlkn> APš >lt>y

10 šwbh>. TME spsn>n swdy OL

PS. 132 18, 133 1-2

11 d>wyty. W lwšny OBYDWN(>n c)wl>dy
12 OLm >nwtky. APš š>nh ptmwc>n
13 š>lsšny APš MDM [....](ṣ)[..]
14 p>kyhy ZY LY* ZY C W XX [XII]* (h)wpc
15 W nywkc AMT KTLWNd AH[Y]tl
16 >knyn. ***kanon*** wydwtky ZY / [ ] / [ ] (w)ky W LA
17 wtlyt nstwtš MRWH(mn) [O]Lš
18 NPŠE P>kn. cygwn mšh> [ZY] plwty
19 YATWNt MDM LOYŠE W MDM lyšy.
20 DKNA ZY >hlwny ZY plwty YATWNt

PS.134 3, 135 1-2,8

Tafel I
fol. 10r

1 [OL] MRWHY. [>plynt OBYDWN>t MRWHY]
2 MN. s̤hydwny. [OLE MNW klty >sm>n]
3 W zmyk* ZY C[W XXXIV] [st>dyt]
4 OL ŠM ZY MRWH[Y. st>dyt OBDkn]
5 [Z]Y MRWHY. ***Kanon*** st>(d)[yt HWEW lm>n]
6 [PW]Nšn >wcynšn(y) [MEtyšn PWN YDE]
7 [d>]ty pwlkn>. O[LEšn] MNW YKOYMWNd]
8 [BYN (B)YT]A ZY (M)[RWHY]

fol. 10v.

1 [MNW zty HWEnd nhwlyk ZY] mṣ(lyny Ṃ)[N]

PS. 135 9-13

2 [mldwmy W OD OL ....] ŠDLWNtš
3 [...... W wtym>skyḥ](y) nyndly mṣlyny.
4 [MDM ..... APš] MDM KRAwspy
5 [OBDKn. MNW zty HW]End lmy ZY KBYR
6 [APš YKTLWNt ḤWE]nd štld>l [ZY]
7 [stwmny. syḥwn] štld>l Z[Y]
8 [>mwl>dyk>n W >wky štl]d>l [ZY]

Tafel X
fol. 11r.

1 kn>ny. APš d>ty zmyk ZY OLEšn
2 PWN y>t[yh]y. y>dy OL >dyly ZYš
3 lmy. MRW[HY] ŠMt LOLMN. MRWHY

PS. 135 14-19

4 >by>tk[>l]yhyt OD >wb>t ZY
5 >wb>tyn. ME >nd>cyt MRWHY OL NPŠE
6 lmy. APš LWTE OBDk>n wtwswdyt
7 >wzdysy ZY lm>n >symyn W DHBAyn
8 dstklty ZY mldwm>n. PWMEšn
9 AYTY [W] LA YMLLWNd. AYNEšn AYTY

10 W LA H[ZY]TNd. gwššn AYTY W LA
11 OŠM[ENd. AP]šn LOYTY w>ty PWN
12 PWME[. cygwn (B)N]PŠE HWEnd YHWWNd
13 MNW (k)l[ty HWEn]d. APšn KRA MNW
14 wst>[hwy HW]End MDM. >dylydy

PS. 135 20-21,**136** 1

15 >plyn[y O]BYDWNyt OL MRWHY. >hlwng>nydy
16 >plyn[y O]BYDWN[y]t OL MRWHY. lyw>dykydy
17 >plyn[y](O)BYDWNyt OL MRWHY. tls>kydy
18 ZY MRWHY >plyny OBYDWNyt OL MRWHY.
19 [>plyny] AYTY MRWHY MN ṣhydwny. OLE

fol. 11v.

1 MNWš >wblšny BYN >wlyšlmy* šwbh>
2 *ZY C W XXXV *bwltšnw[hl]y byty
3 OL MRWHY ME TB AYTY [AP]š LOLMN
4 lhmydy* ***kanon*** bwltšnwhly >yw [YH]WWNd OLmn
5 yzdty MNWš PWN wsyhy ZYš

PS. 136 2-7

6 tybwt> bwcyt OLš wcytkn MN YDE
7 ZY >tls>kn* bwltšnwhly byty OL
8 yzdty ZY yzdt>n MNWš LOLMN lhmydy.
9 bwltšnwhly byty OL MRWH[Y] ZY MRWHYn
10 MNWš LOLMN lhmydy. MNW kl[ty] HWEnd

11 wtym>skyh[y Z]Y AP/[ ]gy
12 MNWš LOLMN lhmydy. MN[W klty >]sm>n
13 PWN NPŠE hkym> MN[Wš LOLMN] lhmydy.
14 MNW phk>pty zmyk MDM MYA
15 MNWš LOLMN Lhmydy. MNW klt[y]HWEnd
16 lwšny ZY LBA MNWš LOLMN [lh]mydy.

PS. 136 8-15

17 >t>p OL p>thš>dyhy ZY lwspy
18 MNWš LOLMN lhmydy. >dyšmy W KWK(BA)
19 OL p>thš>dyhy ZY LYLYA [MNWš]

Talef XI
fol. 12r.

1 [LOLMN l]hmydy. MNW zty HWEnd nhwlyk ZY
2 mṣlyny MNWš LOLMN lhmydy. APš BRA
3 HYTYWNt >dyly MNšn m[d]y[>]n MNWš
4 LOLMN >ph[š>]dš[ny.] PWN YDE ZY stwmny
5 W PWN b>dw[ky ZY >hl>]pty MNWš LOLMAN
6 >phš>[dšny. MNW] bhty dlyw>y ZY
7 swpy[MNW]š LOLMN lhmydy
8 A[Pš wt>lty >]dyly tlyšy
9 MNWš[LOLMN lhmydy. AP]š nhl>nyt

PS. 136 16-21

10 HWEnd[ ]APš zwly BYN dlyw>y
11 ZY swp[y] MNWš LOLMN >phš>dšny

12 MNW phlysty lmy ZY NPŠE BYN
13 wyd>p>n MNWŠ LOLMN >phš>dšny
14 MNW zdy HWEnd štld>l ZY LBA
15 MNWš LOLMN lhmydy. APš YKTLWNt
16 HWEnd [š]tld>l ZY stwmny
17 MNWš L[OLMN] lhmyd. syhwny štld>l
18 [ZY] >mwl[>(d)y]k>n MNWš LOLMN lhmydy
19 [W >w](k)y štld>l ZY byš>n MNWš

fol. 12v

1 LOLMN lhmydy. APš d>ty zmyk (ZY)
2 OLEšn PWN y>tyhy MNWš LOLMN lhmydy.

PS. 136 22-26, **137** 1

3 y>ty OL >dyly ZY [O]BDk MNWš LOLMN lhmydy.
4 APš >by>t bwt[y] PWN[mn n]zbwltyhy
5 MNWš LOLMN >phš[>dšny. AP]š bwhty
6 HWEm MNmn š>n(hn) [MNWš LOLM]N lhmydy
7 MNW YHBWNt OŠT[ENt OL KRAw]spy
8 klsky MNWš LOLMN l[hmydy. (b)wltšnwh]ly
9 byty OL yzdty (Z)[Y PWN >sm>n M]NWš
10 LOLMN >phš>(dšny.)[*ZY C W XXX] ŠTA
11 MDM lwtst>n ZY bb[yl]y. TME
12 YTYBWNst HWEm. APmn glydyt

PS. 137 2-3

13 AMTmn >by>t bwty s̤hydwny, ***kanon*** pts>y

14 ME >stlty >wlyšlmy APš LA
15 MKBLWNt OL nby>n W OL ptw>mbl>n ZYš
16 YATWNt HWEnd >wbšy. bwty nk>hšny
17 myd>n lm>n. APmn MDM P[ ] ptšy
18 >kwsty kn>ly. MEšn [T]M(E)
19 pwlsyt HWEm MNW wldk[y] kl(t)[y]

Fragment
Tafel 1

a (پایان سطر)
1 // [
2]n
3 O]BYD[W]Nt
4 //[

b. (آغاز سطر)
1 //
2 bwltšn[whly ...
3 ZY p>k[y....
4 //

زبور پهلوی

۲ـ متن: آوانوشت

PS.94 17b-20

Tafel I
fol. 1r.

1 y
2 guft
3 .....b....yhym ī
4 tō xwadāy ... pad wasīh ī wisandagīh
5 ī-m dil .... gyān
6 gāhūg ī drōzanān
7 kē srišt drō abar ēwēn ī tō

PS. 94 21-23, **95** 2

8 gyān ī ardā
9 kunēnd. u-m
10 būd xwadāy ....u-m yazd
11 wardād-išān abar
12 drō ī ōy-šān pad
13 kunād. xwāmōš
14 kunād xwadāy yazd ī amā* ī

fol. 1v.

1 u-š

PS.95 3-6

2 pad slōk stāyēm čē yazd
3- ī wuzurg xwadāy. šahryār ī
4- wuzurg abar harwisp yazdān čē-š
5- pad dast .....
6- ....
7 xwēš hast drayā, u-š....
8 xwad kard u-š .....
9 dašn srišt ....
10 namāz barēm. ud āfrīn kunēm ō

PS. 95 7-9

11 yazd kē kard hēm. čē
12 hast yazd ī amā ....

Tafel II
fol. 2r

1 ud amā xwēš ram u-š mēš ī
2 .... agar wāng
3 ašnawēd. ma kunēd staft
4 dil ī ašmā ō-š kēn-kārīh ud čiyōn ān
5 rōz .... ī andar dašt
6 u-t āmād hēm patrōn ī ašmā

PS. 95 9-11, **96** 1

7 u-šān āzmūd, u-šān dīd kunišn

8 ī man XL sāl. rēškēn būdēm pad
9 ān āwād u-m guft kū ram hēnd
10 kē-š z.....dip u-šān nē
11 dānist rāh ī man. čiyōn-im sōgand
12 xward pad dēbašn. nē-m šawēnd ō
13 wasān* ī XCVI* stāyēd
14 ō xwadāy šubhā ī nēk. stāyēd
15 ō xwadāy hamag zamīg. ***kanon*** stāyīdag
16 hast āmadišn-at masīhāy, pārōqā
17 ī āwām. ī-t arzān kard-im kū-t

PS. 96 2-6

18 abāg wādēnān stāyēm. stāyēd
19 ō xwadāy u-š āfrīn kunēd

fol 2V.

1 nām ....
2 purqānā. pahipursēd pad ramān, īqārā
3 u-š pad harwisp ramān kunišn
4 čē wuzurg ast xwadāy ud stāyīdag
5 abēr. ud tarsagāwand abar harwisp
6 yazdān čē harwisp yazdān ī ramān
7 tuhīg hēnd ud xwadāy āsmān kard
8 payrōg-iš ud stāyišn pēšī
9 stōmanīh-iš ud stāyišn andar

PS. 96 7-10

10 mānd. dahēd ō xwadāy ....

11 ī ramān. dahēd ō xwaolāy šubhā
12 ud īqārā. dahēd ō xwaclāy īqārā ō-š
13 nām. stānēd pāra^{+}g u-š šawēd
14 ō mānd. namāz barēd ō xwadāy
15 andar srāward ī-š pākīh. wizandād-iš
16 pēšī hamag zamīg. gōwēd andar ramān
17 kū xwadāy būd šahryār u-š
18 winārd kišwar kū nē wizandād

PS.97 12b , **98** 1-2

Tafel III
fol. 3r

1 bēd ō ayādgārīh ī-š pākīh* ī XCVIII*
2 stāyēd ō xwadāy šubhā ī nēk
3 čē-š widimāsagīh kard būd
4 xwēš dašn ud bādūg ī pāk. ***kanon*** āfrīn
5 kē frakaft u-š az yōhannē ahlawbēd
6 nindar yurdinān, u-š pad harrōbišn
7 āmurzīd ō wisp. nimūd-iš xwadāy

PS.98 3-5

8 xwēš purqānā u-š pēš ramān
9 ....xwēš ardāyīh
10 ayād-iš būd xwēš taibūθā
11 u-š wurrōyišn ō adērān. dīd
12 harwisp kanārag ī zamīg purqānā ī-mān

13 yazd. stāyēd ō xwadāy hamag zamīg.
14 šād bēd ud stāyēd šubhā.
15 stāyēd ō xwadāy pad kanār. pad
16 wāng ī stāyišn. pad nāy

PS. 98 6-9, **99**

17 ud pad wāng ī šiypūr. stāyēd pēš
18 šahryār xwadāy. čandād drayā
19 .... kišwar u-š harwisp

fol. 3V.

1 mihmān. ud rōd-iz
2 ud kōf-iz stāyānd pēš xwadāy čē
3 āmad andāxtan ō zamīg. andāzēd
4 kišwar pad ardāyīh ud ramān pad
5 rāstīh* ī XCIX*

PS. 99 1-4

6 šubhā* xwadāy būd šahryār
7 čandānd ramān. nišast abar......
8 ī wādēn, čandād ***kanon*** ....
9 nimūd ....
10 u-š ō ....
11 kard az .... ī ..... xwaday
12 wuzurg andar sahyōn. ud ahrāft abar
13 harwisp ramān. burdišnōhr-iš bawēnd

14 ō nām ī wuzurg ud tarsagāwand. čē
15 pāk ast; stōmanīh ī šāh
16 dōst dādistān. tō wirāst rāstīh

PS. 99 5-6 **119** 124-127

17 ud dādistān. ud zaddīqūθā pad yākōb tō kard.
18 abar-tar-iš kunēd ō xwadāy yazd ī amā,
19 namāz barēd ō-š nišārišn ī
20 pāy pāk hēnd mušē......

Tafel IV
fol. 4r

1 kun abāg-it bandag čiyōn-it rahmē
2 u-m-it andarz āmōz bandag-it hēm
3 āgāh-im kun u-t dānān gugāyīh
4 zamān ast xwastan ō xwadāy u-t-išān
5 ēnak anāft ēwēn. ēd-it rāy

PS. 119 128-130

6 dōst būd-im andarz, frāy kū zarr
7 ud kū sag ī nēw. har-it-wisp
8 andarz dōst būd-im u-m pāyād
9 ud hāmōyēn rāh ī drōzanān šānā
10 būd-im* wuzurg - it hēnd gugāyīh
11 ēd rāy pād hēnd gyān ī man.
12 ***kanon I*** bōz xwadāy ō-t nām .... kē

13 ušnālēnd čē niždād
14 rāstīh* wišāy xwēš saxwan
15 ud rōšn kun. āgāh-im kun ō

PS. 119 131-135

16 anāgāh. dahān-im wišād u-m
17 ayāft wād. u-m urwāzist
18 ō-t andarz. wardām awiš u-m
19 .... pad dādistān čē-t dōst
20 bū hēm nām. wirāyām gām

fol. 4v.

1 pad-it šawān. u-m ma ēw bawēd
2 pādixšāy padiš drōzan. bōzām
3 az niždādīh ī mardōm kū-t
4 pāyān andarz. rōšn kun rōy-it
5 abar xwēš bandag. u-m-it āmōz

PS. 119 136-139

6 ēwēn. ǰōy-im ī āb āmad az
7 čašm, čē-t-išān nē pād ēwēn*
8 ardāy hē xwadāy. u-t abēr
9 rāst hēnd dādistān ***kanon II*** kām xwadāy
10 pad amā u-mān bōz. kū-t dānēnd
11 .... widiftagān. ayād-im būd
12 gugāyīh tō pad ardāyīh u

13 pad wurrōyišn abēr. zārēnīd hēm arišk
14 čē-t-išān framōšīd saxwan šānān

PS. 119 140-142, **122** 4-5

15 wizīdag -it ast saxwan abēr u-t-iš
16 bandag dōst būd. kōdok-im ud tōr
17 u-m-it andarz nē framōšīd
18 ardāyīh rāst ud windard
19 ēstēd ǰāwēdān. u-t ēwēn wābarīgān

Tafel V
fol. 5r.

1 ō adēr. burdišnōhr būdan ō nām
2 ī xwadāy. čē-šān ānōh nihād gāhūg
3 ī dādwarān rāy. gāhūg ī dāwīdagān.

PS. 122 6-9, **123** 1-2

4 pursēd pad drōd ī ōrišalim. ēw-it
5 bawēnd pad āsāyišn dōst. ēw-it
6 bawēd drōd pad zōr ud āsāyišn pad-it
7 parwār. padisām brādarān u-m dōstān.
8 gōwān tō rāy drōd. padisāy xānag
9 ī-mān xwadāy yazd. xwāhān pad....
10 ī to* c ud XXII* ō-m-it rōn
11 ahrāft čašm kē mānišn pad āsmān
12 *kanan* ōyē hūtān(?) padīrāmān sūdgarīh u

13 afsūsēdēnd tōrāgarān-at. čiyōn čašm

PS. 123 3-4, **124** 1

14 ī bandagān ō xwadāy rōn;ud čiyōn čašm
15 ī kanīšag ō bānūg rōn, ēw-imān
16 āngōn čašm ō tō xwadāy yazd tā-mān
17 abaxšāyē abar. abaxšāy-imān
18 abar xwadāy, rahmē-mān abar. čē was
19 abē-xradīh sagr būd hēm ud was
20 sagr būd gyān ī amā, afsūs

fol. 5V.

1 ī rōswāgarān. ud abē-xradīh ī
2 sahīgarān* ī C ud XXIII* agar-imān nē

PS. 124 2-6

3 čē xwadāy ēstād hēnd. ēw gōwēd
4 adēr, agar-imān nē čē xwadāy ēstād
5 hēnd. ***kanon*** āfrīn ast kunāgar-imān kē bōzēd
6 ō-š namāz-barān az bazakkarān ; ka-mān
7 āxist hēnd abar mardōm ēg-išān
8 zīndag ōbārd hēm, ka-šān
9 āxist dēbast abar amā, u-šān
10 pad āb ahrōbīd(?) hēm. u-mān
11 .... widard tar gyān. u
12 āb ī was widard tar gyān ī

13 amā. āfrīn ast xwadāy kē nē dād-im

PS. 124 7-8, **125** 1-2

14 Xwardīg ō-šān dandān. gyān-imān čiyōn winǰišg
15 ī rast az talag ī čīnagān. talag
16 xurd būd ud amā bōxtēm. ayārīh-imān
17 pad nām ī xwadāy ōy kē kard āsmān
18 ud zamīg* ī C ud XXIV* ōy-šān kē ummēd
19 pad xwadāy pad kōf ī sahyōn nē
20 wizandānd bē ǰāwēdān nišīnēd. ***kanon*** nē hagriz
21 wizandēdēnd wirāstagān kē-šān abar xwadāy

Tafel VI
fol. 6r.

1- hast wistāxīh. ōrišalim kōf

PS. 125 3-5, **126** 1

2 pērāmōn: ud xwadāy pērāmōn xwēš
3 ram. az nūn ud tā ǰāwēdān. čē-š nē
4 wisāyād šafaš ī drōzanān Pad
5 bahr ī ardāyūn. ud nē frārāyānd
6 ardāy dast pad drō. kirbag kunēd
7 xwadāy ō kirbakkarān: ō ōy-šān kē
8 rāst hēnd pad dil. ud ōy- šān kē
9 xuhl šuwān, sūdād-išān xwadāy
10 abāg drōzanān ud drōd abar adēr*

11 šubhā* ī C ud XXV* ka wardād

PS. 126 2-5

12 Xwadāy wardag ī sahyōn, bēm čiyōn
13 ōy-šān kē šād hēnd. pas-imān
14 purr bād dahān xandag u-mān
15 uzwān šubhā. pas gōwēnd
16 pad ramān, was-iš kard xwadāy
17 abāg ōy-šān, was-iš kard xwadāy
18 abāg amā. bawēm pad šādīh.
19 wardāmān xwadāy wardagīh čiyōn

fol. 6V.

1 wārāy ī pad drītāg. ōy-šān
2 kē kārēnd pad ars pad šādīh

PS. 126 6, **127** 1-2

3 drūnēnd. rawēd
4 ud griyēd ān kē bār tōm. āyēd
5 āyēd pad šādīh ān kē
6 bār wāf* ī C ud XXVI*
7 agar xwadāy nē fragind xānag
8 tuhīg raxtēnd kē fraganēnd
9 ***kanon*** wistāxīh-imān abar yazd hast ī
10 xwad hast padušmārgar ī
11 wisp. agar xwadāy nē pāyēd gurn

12 ēg-iš tuhīg a-xwamn hēnd
13 pāsbān. tuhīg hēnd ōy-šān
14 kē .... bawēnd āxistan ud dagr

PS. 127 3-5

15 kunēnd nišastan. kē xwarēnd
16 nān pad wisandagīh. ōwōn
17 dahād ō xwēš dōšist
18 damīg. čē ǰād ī xwadāy frazand

Tafel VII
fol. 7r.

1 hēnd, mizd ī bar ī zahār
2 čiyōn tigr pad dast ī zōrmand,
3 ōwōn frazand ī ǰuwānīh ōst hēnd.
4 xunak ōy mard kē-šān purr
5 kunād kantigr aziš. ud nē
6 šārsānd ka gōwēnd abāg

PS. 128 1-3

7 šānā pad dar* ī C ud XXVII*
8 xunak har kē tarsēd az xwadāy
9 u-š rawēd pad šuwān. ***kanon*** ōbarān
10 xwadāy xwēš-it dāšn abar-it bandagān
11 pad-it taibūθā. ranǰ ī-t dast
12 ka xwarē ēg-it xunak

13 u-t xunak ō gyān. zan-it
14 čiyōn stāx ī stāyīdag
15 pad dāman ī xānag. frazand-it čiyōn
16 namāmag ī zayt pērāmōn-it xwān.

PS. 128 4-6, **129** 1

17 ēd-iš ōwōn āfrīn karēd, mard
18 kē tarsēd az xwadāy. āfrīn-it
19 kunād xwadāy az sahyōn. ud

Fol. 7V.

1 wēnē pad kirbag ī ōrišalim harwisp
2 rōz ī-t zīndagīh. ud wēnē frazand
3 ō-t frazandūn ud drōd abar adēr
4 *ī Cud XXVIII* was-im būd
5 hēnd awištābgar az rahīgīh.
6 ēw gōwēd adēr. ***kanon*** ašnaw kirbakkar
7 wāng ī-mān sūdgarīh. u-mān pāy

PS. 129 2-7

8 az bazakkar* was-im būd hēnd awištābgar
9 az rahīgīh. u-m-išān nē tāyīd
10 zōr. abar-išān pušt kard
11 pādufrāh. u-šān abar man dagr
12 kard nizburdīh. xwadāy ardāy,
13 ud frasinād tāhīgar ī drōzanān

14 šārsānd ud wardānd abārōn
15 harwisp šānā ī sahyōn. bawēnd
16 čiyōn giyā ī abar bān. hamē
17 yōdēd abar wād u-š hušk
18 wēzēd ud hōšēd. u-š purr

PS. 129 8, **130** 1-3

19 aziš nē kunēd wāf yaw-drōn

Tafel VIII
fol. 8r.

1 ud nē ādōš wāfān-čīn ud nē
2 gōwēnd kē widirēnd āfrīn-itān ī
3 xwadāy abāg. u-mān āfrīn kard hē
4 pad nām ī xwadāy* ī C ud XX nō*
5 az-im zufrāy xwānd hē xwadāy
6 yazd ī man, u-m-it ašnawēd wāng
7 ēw-it niyōxšēd gōš wāng ī-m
8 sūdgarīh. ***kanon*** kirbakkar ud rāst ud hutān
9 pad ṭaibūθā rahmē-mān abar. agar

PS. 130 4-8

10 winahgār pāyē xwadāy kē
11 tuwān ēstēd čē az tō ōrōn
12 hast hilišn, padisā-š tars
13 pand pāyēd gyān ī man ō xwadāy.

14 ud pand pāyēd gyān ī man ō-š saxwan.
15 pand-im pāyēd ō xwadāy az pās ī
16 šabag ud tā ō pās ī šabag.
17 pand pāyēd adēr ō xwadāy čē-š
18 aziš ōrōn hēnd rahmē. u-š
19 was hast abāg purqānā

PS. 131 1-2

fol. 8V.

1 bōzād ō adēr aziš hāmōyēn
2 drō* ī C ud XXX* xwadāy nē-m
3 ahrōft dil, u-m hē ahrōft
4 hēnd čašm. ***kanon*** ahrāmām xwadāy az
5 xāk, u-t stāyēm u-t burd-
6 išnōhr bēm. ud nē raft hēm
7 pad čē mih ud stōmandar az man, bē-m
8 narm kard grīw čiyōn axšīrag
9 abar mādar. u-m čiyōn axšīrag

PS. 131 3 , **132** 1-3

10 abar būd xwēš grīw. pand pāyēd
11 adēr ō xwadāy az nūn ud tā ǰāwēdān,
12 šubhā* ī C ud XXX(I)* ayād-it
13 ēw bawēd xwadāy dāwīd u-š
14 hamag nizburdīh. ***kanon*** mašīhā pāy
15 ō wēsīh ud was kun āsān pad

16 aǰumanīhā , kē sōgand xwarēnd
17 ō xwadāy u-š padist barēd
18 ō yazd ī yakōb, kū nē šawān
19 ō aškōb ī xwēš xānag

PS. 132 4-8

Tafel IX
fol. 9r.

1 ud nē salqūnān ō wistar ī xwēš
2 gāh. ud nē dahān damīg ō čašm
3 ud nē-iz ōnāyišn ō brūg, tā windān
4 gyāg xwadāy rāy, ud wiyān ō yazd
5 ī yākōb. ēnak-imān ašnūd andar
6 ifirtāy, u-mān windād pad kišwānzār
7 šawēm-iš ō wiyān ud namāz barēm
8 ō-š nišārišn ī pāy. āxēz
9 xwadāy ō xwēš wasān, tō u-t

PS. 132 9-12

10 qēβuθ ī stōmanīh. wēs-it
11 paymōzānd ardāyīh. u-t.
12 ardāy šubhā. padisāy dāwīd
13 ī-t bandag ma widir rōy ī-t xwēš
14 anūdag. sōgand-iš xward
15 xwadāy ō dāwīd pad ōstīgānīh.
16 u-š nē wardād aziš. kū-t

17 az bar ī aškamb nišīyān abar-it
18 gāhūg. agar-it pāyēnd frazand
19 ēstām ī man: ud ēn gugāyīh
20 ī-šān andarz kunēm: ēg-išān

PS. 132 13-17

fol. 9V.

1 frazand nišīyānd pas tō, abar
2 gāhūg ī tō ǰāwēdān ī ǰāwēdān. čē-š
3 kāmist xwadāy pad sahyōn u-š
4 wizīd mānišn-iš rāy. ēn-am hast
5 wasān ǰāwēdān. ēdar nišīyān
6 čē-m ēn urwāzist. u-š čīnagan
7 āfrīn kunān. u-š škōhān
8 sagr kunān nān. u-š wēsān
9 paymōzān purqānā; u-š ardāy
10 šubhā. ānōh spasnān sūd ō

PS. 132 18, **133** 1-2

11- dāwīd, ud rōšn kunān čurāy
12 ō-m anūdag. u-š šānā paymōzān
13 šārsišn, u-š abar ....
14 pākīh ī man* ī C ud XXXII* xūb-iz
15 u nēk-iz ka mānēnd brādar
16 aginēn. ***kanon*** widūdag ī .... ud nē
17 widirēd, nastūt-iš xwadāy-imān ō-š

18 xwēš pākān, čiyōn rōγn ī frōd
19 āyēd abar sar ud abar rēš
20 rēš ī ahrōn ī frōd āyēd

PS. 134 3, **135** 1-2,8

Tafel I
fol. 10r.

1 ō xwadāy. āfrīn-it kunād xwadāy
2 az sahyōn. ōy kē kard asmān
3 ud zamīg* ī C ud XXXIV; stāyēd
4 ō nām ī xwadāy. stāyēd bandagān
5 ī xwadāy. ***kanon*** stāyīd hē ramān
6 pad-išān uzīnišn čē-t-išān pad dast
7 dād purqānā. ōy-šān kē ēstēnd
8 andar xānag ī xwadāy

fol. 10V.

1 kē zad hēnd naxūrīg ī misrēn az

PS. 135 9-13

2 mardōm ud tā ō .... frēstīd-iš
3 .... ud widimāsīh nindar misrēn
4 abar .... u-š abar harwisp
5 bandagān. kē zad hēnd ram ī was
6 u-š ōzad hēnd šahryār ī

7 stōman. sīhōn šahryār ī
8 āmōrāyīgān ud ōg šahryār ī

Tafel X
fol. 11r.

1 kin<ān. u-š dād zamīg ī ōy-šān
2 pad yādīh, yād ō adēr ī-š
3 ram. xwadāy nām-at ǰāwēdān. xwadāy

PS. 135 14-19

4 ayādgārīhēd tā āwād ī
5 āwādīn. čē andāzēd xwadāy ō xwēš
6 ram, u-š abāg bandagān widōsōyēd,
7 uzdēs ī ramām asēmēn ud zarrēn
8 dastgird ī mardōān. dahān-išān
9 hast ud nē gōwēnd. čašm-išān hast
10 ud nē wēnēnd. gōš-išān hast ud nē
11 ašnawēnd. u-šan nēst wād pad
12 dahān. čiyōn xwad hēnd, bawēnd
13 kē kard hēnd. u-šān har kē
14 wistāx hēnd abar. adērīy

PS. 135 20-21, **136** 1

15 āfrīn kunēd ō xwadāy. ahrōnagānīy
16 āfrīn kunēd ō xwadāy. lewāyīgīy
17 āfrīn kunēd ō xwadāy. tarsāgīy

18 ī xwadāy āfrīn kunēd ō xwadāy
19 āfrīn hast xwadāy az sahyōn. ōy

fol. 11V.

1 kē-š ōbarišn andar ōrišālim* šubhā
2 *ī C ud XXXV* burdišnōhr bed
3 ōxwadāy čē nēw hast u-š ǰāwēdān
4 rahmēd* ***kanon*** burdišnōhr ēw bawēnd ō-mān
5 yazd kē-š pad wasīh ī-š

PS. 136 2-7

6 taibūθā bōzēd ō-š wizīdagān az dast
7 ī atarsāgān* burdišnōhr bēd ō
8 yazd ī yazdān kē-š ǰawēdān rahmēd
9 burdišnōhr bēd ō xwadāy ī xwadāyān
10 kē-š ǰāwēdān rahmēd, kē kard hēnd
11 widimāsagīh ī u ....
12 kē-š ǰāwēdān rahmēd. kē kard asmān
13 pad xwēš hakīmā; kē-š ǰāwēdān rahmēd
14 kē paykāft zamīg abar āb
15 kē-š ǰāwdāan rahmēd, kē kard hēnd
16 rōšn ī wuzurg, kē-š ǰawēdān rahmēd.

PS. 136 8-15

17 ātāb ō pādixšāyīh ī rōsp
18 kē-š ǰāwēdān rahmēd, āyēšm ud stārag
19 ō pādixšāyīh ī šab, kē-š

Tafel XI
fol. 12r.

1 ǰawēdān rahmēd. kē zad hēnd naxūrīg ī
2 misrēn, kē-š ǰāwēdān rahmēd, u-š bi
3 ānayēd adēr azišān mayān, kē-š
4 ǰāwēdān abaxšāyišn, pad dast ī stōman
5 ud pad bādūg ī ahrāft, kē-š ǰāwēdān
6 abaxšāyišn. kē baxt drayā ī
7 sūf ..... kē-š ǰāwēdān rahmēd.
8 u-š widārd adēr tar-iš
9 kē-š ǰāwēclān rahmēd, u-š nixrānīd

PS. 136 16-21

10 hēnd .... u-š zōr andar drayā
11 ī sūf, kē-š ǰāwēdān abaxšāyišn
12 kē pahrist ram ī xwēš andar
13 wiyābān, kē-š ǰāwēdān abaxšāyišn.
14 kē zad hēnd šahryār ī wuzurg
15 kē-š ǰāwēdān rahmēd. u-š ōzad
16 hēnd šahryār ī stōman
17 kē-š ǰāwēdān rahmēd. sīhōn šahryār
18 ī āmōrāyīgān kē-š ǰāwēdān rahmēd,
19 ud ōg šahryār ī baišān, kē-š

fol. 12V.

1 ǰāwēdān rahmēd, u-š dād zamīg ī
2 ōy-šān pad yādīh, kē-š ǰāwēdān rahmēd.

PS. 136 22-26, 137 1

3 yād ō adēr ī-š bandag , kē-š ǰāwēdān rahmēd,
4 u-š ayād būd pad-imān nizburdīh
5 kē-š ǰāwēdān abaxšāyišn. u-š bōxt
6 hēm az-imān šānān, kē-š ǰāwēdān rahmēd.
7 kē dahēd xward ō harwisp
8 gursag, kē-š ǰāwēdān rahmēd. burdišnōhr
9 bēd ō yazd ī pad asmān, kē-š
10 ǰawēdān abasxšāyišn.* ī C ud XXX šaš
11 abar rōdistān ī babil, ānōh
12 nišast hēm. u-mān griyīd

PS. 137 2-3

13 ka-mān ayād būd sahyōn, ***kanen*** padisāy
14 čē āstard ōrišālim u-š nē
15 padīrift ō nabīyān ud ō paywāmbarān ī-š
16 āmad hēnd awiš, būd nikāhišn
17 mayān ramān. u-mān abar .... padiš
18 ākust kinnār. čē-šān ānōh
19 pursīd hēm kē wardag kard

Fragment

Tafel 1

a. (پایان سطر)
1 // [ ] //

b.(آغاز سطر)
1 //

2 burdišnōhr....
3 ī pāk ....
4 //

2] n ī
3 kunēd
4 // [

زبور پهلوی

۳ ـ ترجمه فارسی

مزمور ۲۰-۹۴/۱۷ *

لوحه ۱

برگ ۱، رو

۱ ـ ....
۲ ـ .... گفت
۳ ـ ....
۴ ـ توای خدای .... در بسیاری نگرانی [۱]
۵ ـ دل من .... جان
۶ ـ .... آیا جایگاه در و غزنان
۷ ـ که با دروغ سرشته است، با آیین تو

مزمور ۲۳-۹۴/۲۱؛ ۹۵/۲

۸ ـ .... جان اردای
۹ ـ .... کنند. برای من
۱۰ ـ بود خدای .... برای من خداوند
۱۱ ـ .... به آنان برگرداند
۱۲ ـ .... دروغ ایشان را. آنان را در
۱۳ ـ .... خواهد کرد. خاموش [۲]
۱۴ ـ خواهد کرد خداوند، خدای ما *

برگ ۱، پشت

۱ - .... او را

مزمور ۶-۳/۹۵

۲ - .... با مزمور بستاییم زیرا خداوند[۳]
۳ - خدای بزرگ است. شهریار
۴ - بزرگ بر همه خدایان زیرا او است
۵ - به دست ....
۶ - ....
۷ - دریا[۴] از آن اوست، او
۸ - خود آنرا آفرید، او را ....
۹ - دست راست سرشت ....
۱۰ - نماز بریم و آفرین کنیم بر

مزمور ۹-۷/۹۵

۱۱ - خداوندی که ما را آفرید. زیرا
۱۲ - او خدای ماست ....

لوحه ۲
برگ ۲ رو

۱ - و ما پیروانش .... او را میشِ
۲ - .... اگر بانگ
۳ - بشنوید. مکنید سخت
۴ - دلتان را به کین کاری[۵] او ؛ و چونان
۵ - روز .... که اندر دشت

۶ـ پدران شما مرا آزمودند[۶]

مزمور ۱۱-۹/۹۵، ۹۶/۱

۷ـ آنان آزمودند، آنان دیدند کنش
۸ـ مرا چهل سال[۷]، رشگین بودم[۸] نسبت به
۹ـ آن نسل؛ گفتم که قومی هستند
۱۰ـ که آنان را............ است دل؛ آنان نه
۱۱ـ دانستند راه مرا. از این روی من سوگند
۱۲ـ خوردم در خشم، که وارد نه شوند به
۱۳ـ آرایش من. **(مزمور ۹۶)** بستایید
۱۴ـ خداوند ستودهٔ نیک[۹] را. بستایید
۱۵ـ خداوند را ای همه زمین[۱۰]. (قانون): ستوده
۱۶ـ است آمدنت ای مسیحا، ای ناجی
۱۷ـ زمانه. تراسزاورا داشتم که ترا

مزمور ۶-۲/۹۶

۱۸ـ همراه با موجودات روحانی بستایم. بستایید
۱۹ـ خداوند را، او را آفرین کنید

برگ ۲ پشت

۱ـ نام ....
۲ـ نجات او را برگویید به پیروان، او را احترام
۳ـ باید کرد در میان همه پیروان.
۴ـ چه بزرگ است خداوند و نیز ستوده
۵ـ است بسیار زیاد. و او با هیبت است برای همه
۶ـ ایزدان. چه ایزدان همه امت‌ها

۷ - تهی[۱۱] هستند، اما خداوند آسمان را آفرید
۸ - او را فروغ و ستایش در پیش
۹ - او را قدرت و ستایش اندر

مزمور ۱۰-۷/۹۶

۱۰ - خانه[۱۲]. بدهید[۱۳] به خداوند.............
۱۱ - اقوام. بدهید به خداوند ستودگی
۱۲ - و احترام. بدهید به خداوند احترام به
۱۳ - نام او را. برایش قربانی[۱۴] بستانید[۱۵]، بروید
۱۴ - به خانه او. نماز برید به خداوند
۱۵ - در سراپردهٔ[۱۶] پاکی او. بلرزد[۱۷]
۱۶ - در پیش او همه زمین. بگویید به پیروان
۱۷ - که خداوند شهریار بوده و او
۱۸ - برپا کرد جهان را، که نلرزد

مزمور ۱۲b/۹۷، ۲-۱/۹۸

لوحه ۳
برگ ۳ رو

۱ - باشید به یادگاری پاکی او **(مزمور ۹۸)**
۲ - بستایید خداوند ستوده نیک را
۳ - چه او را شگفت آور کرده بود
۴ - دست راست و بازوی پاک او. (قانون) آفرین
۵ - برکسی که فرو افتاد و او از سوی یوحنا تعمید پذیرفت
۶ - در اردُن، او بوسیله غسل تعمید
۷ - برهمگان آمرزش آورد. نشان داد خداوند

مزمور ۵-۳/۹۸

۸ ـ نجات خویش را پیش پیروان.
۹ ـ .... راستی[۱۸] خویش را.
۱۰ ـ یادش بود لطف خویش
۱۱ ـ وگرایشش به اسرائیلیان[۱۹]. دیده‌اند
۱۲ ـ همه مرزهای زمین نجات
۱۳ ـ خدای مارا. بستایید خداوند را ای همه زمین
۱۴ ـ شاد باشید و بستایید خداوند ستوده را
۱۵ ـ بستایید خداوند را باکنار[۲۱]. با
۱۶ ـ بانگ ستایش. بانای

مزمور ۹-۶/۹۸، ۹۹

۱۷ ـ و با بانگ شیپور، بستایید پیش
۱۸ ـ خداوند شهریار. بلرزد دریا
۱۹ ـ .... جهان و همه

برگ ۳ پشت

۱ ـ ساکنان[۲۱] آن. و نیز رودها............
۲ ـ و نیز کوه‌ها بستایند پیش[۲۲] خداوند، زیرا
۳ ـ آمد برای داوری[۲۳] به زمین. داوری خواهد کرد
۴ ـ برجهان به راستی و بر پیروان به
۵ ـ راستی **(مزمور ۹۹)**

مزمور ۴-۱/۹۹

۶-ستوده. خداوند[۲۴] شهریار بوده است
۷-بلرزند پیروان. نشست بر......[۲۵]....
۸-کروبیان[۲۶]، بلرزد (قانون[۲۷]).........
۹-نشان داد ....
۱۰-و او را به ....
۱۱-کرد از ..[۲۸]........ خداوند
۱۲-در صهیون بزرگ است؛ و برتری[۲۹] دارد بر
۱۳-همه پیروان. سپاسگزار باشند
۱۴-در برابر اسم اعظم و با هیبتش ؛ زیرا
۱۵-پاک است؛ نیرومندی شاه
۱۶-دوست عدالت است. تو ویراستی راستی

مزمور ۶-۹۹/۵ ؛ ۱۲۷-۱۱۹/۱۲۴[۳۰]

۱۷-و عدالت را، و انصاف[۳۱] را در یعقوب تو به‌وجود آوردی.
۱۸-برترش دارید خداوند، ایزد ما را
۱۹-نماز برید به قدمگاه
۲۰-پای او. پاک هستند موسیٰ...........

لوحه ۴
برگ ۴ رو

۱-بابنده‌ات چونان رحمانیتت[۳۲] رفتارکن
۲-و به من اندرزت را بیاموز[۳۳]
۳-آگاهم کن تاگواهیت را بدانم
۴-زمان خستن است برای خداوند، زیرا آنان
۵-اینک آیین[۳۴] ترا عقیم کردند.

مزمور ۱۳۰-۱۲۸/۱۱۹

۶ـاز این روی دوستدار اندرزت بودم[۳۵]، بیش از زر
۷ـو بیش از جواهرِ اصل [۳۶]. همهٔ
۸ـاندرزت را دوستدار بودم، و مرا بپاید[۳۷].
۹ـو هرگونه[۳۸] راه دروغزنان را دشمن[۳۹]
۱۰ـبودم[۴۰]. بزرگ هستند گواهی‌هایت
۱۱ـازین روی پاییده می‌شوند بوسیله جان من.
۱۲ـ(قانون *I*) نجات بده‌ای خداوند به نام خودت .... که
۱۳ـمی‌نالند. زیرا سرکوب شده است
۱۴ـراستی * بگشای سخن خویش را
۱۵ـو روشن کن. آگاهم کن بر

مزمور ۱۳۵-۱۳۱/۱۱۹

۱۶ـپلیدی[۴۰]. دهانم گشاده شد و
۱۷ـنَفَس برگرفتم. من شادمان[۴۱] شدم
۱۸ـبه اندرزتو. روی برمن کن و مرا
۱۹ـ......... بنابر عدل، زیرا دوستدار
۲۰ـنام تو بوده‌ام[۴۲]. گام‌های مرا مستحکم کن

برگ ۴ پشت

۱ـتا در راه تو بروند[۴۳]، و نباشد که برمن
۲ـدروغزن مسلط شود. نجات بده مرا
۳ـاز ستم مردم که
۴ـاندرز تورا بپایم. روشن کن رویت را
۵ـبربندگان خویش. و برمن بیاموز

مزمور ۱۳۹-۱۳۶/۱۱۹

۶- آینیت را. جوی آب روان شد از
۷- چشمانم، زیرا آیین ترا نه پاییدند*
۸- تو حقی‌ای خداوند، و بسیار
۹- راستند داوری‌هایت[۴۴]. (قانون *II*) ای خداوند ارداه خیرکن
۱۰- برای ما، و ما را نجات بده، که، بدانند
۱۱- .... تو را فریب خوردگان. به یادم بود
۱۲- گواهی تو به حقیقت و[۴۵]
۱۳- به ایمان بسیار. رشک مرا زار کرد[۴۶]،
۱۴- زیرا دشمنان سخنانت را فراموش کردند.

مزمور ۵-۴/۱۲۲ و ۱۴۲-۱۴۰/۱۱۹

۱۵- سخن تو بسیار گزیده است و
۱۶- بندهٔ تو آنها را دوستدار بوده است. کودکم و حقیر
۱۷- ولی اندرزت را فراموش نکردم،
۱۸- حقیقت راست و دایم
۱۹- است و جاویدان، و آیین تو حقیقت است[۴۷].

لوحه ۵
برگ ۵ رو

۱- برای ادیر[۴۸]؛ تا سپاسگزار بودن نسبت به نام
۲- خداوند. زیرا آنان در آنجا نهادند کرسی
۳- دادوران را. یعنی کرسی داودیان را.

مزمور ۲-۱/۱۲۳ ; ۹-۶/۱۲۲

۴ ـ مسئلت کنید سلامتی اورشلیم[49] را
۵ ـ دوستداران تو در آسایش باشند.
۶ ـ سلامتی باشد نیرویت[50] و آسایش در
۷ ـ قصرت[51]. به جهت برادران و دوستانم
۸ ـ بگویم درود بر تو. به خاطر خانه
۹ ـ خدایمان یهوه[52]، بخواهم .... برای
۱۰ ـ تو. **(مزمور ۱۲۲[53])** بسوی تو
۱۱ ـ چشم را برافراشتم، ای کسی که مانش تو در آسمان است
۱۲ ـ (قانون) آه، بخشاینده (؟) بپذیر استغاثهٔ ما را و
۱۳ ـ به استهزاء گرفته می‌شوند کوچک شمارندگانت. همانگونه[54] که چشم

مزمور ۱/۱۲۴ ; ۴-۳/۱۲۳

۱۴ ـ بندگان بسوی سرور؛ همانگونه که چشم
۱۵ ـ کنیزک بسوی بانو است ؛ ما نیز
۱۶ ـ همانگونه چشممان بر تو یهوهٔ خداوند است تا ما را
۱۷ ـ برآمرزی[55]. برآمرزمان
۱۸ ـ ای خداوند، بر ما رحم کن. زیرا بسیار
۱۹ ـ از بیخردی پر بوده‌ایم. و بسیار
۲۰ - سیر بوده جان ما از استهزاءِ

برگ ۵ پشت

۱ ـ رسواگران، و بیخردی
۲ ـ خودستایان **(مزمور ۱۲۳)** زیرا اگر

مزمور ۶-۲/۱۲۴

۳ - خداوند با ما نمی‌بود، بگوید[۵۶]
۴ - ادیر[۵۷]، چه اگر خداوند با ما
۵ - نمی‌بود. (قانون) متبارک است آفریننده‌مان[۵۸] که نجات می‌دهد
۶ - نمازبران را از بزهکاران نسبت به خودش ؛ اگر برما
۷ - مردم قیام می‌کردند، سپس آنان
۸ - ما را زنده می‌بلعیدند؛ چنانچه
۹ - خشم آنها برما برخاسته می‌شد، آنان
۱۰ - ما را برآب غرقه می‌کردند[۵۹]. ما را
۱۱ - .... می‌گذشت برجان، و[۶۰]
۱۲ - آب بسیار می‌گذشت برجان
۱۳ - ما. متبارک است خداوند که ما را نداد جهت

مزمور ۲-۱/۱۲۵ ; ۸-۷/۱۲۴

۱۴ - غذا به دندان آنها. جانمان چونان گنجشگ
۱۵ - رَست از تله صیادان. تله
۱۶ - خُرد شد و ما نجات یافتم[۶۱]. یاریمان
۱۷ - به نام خداوند است، او که آسمان را آفرید
۱۸ - و زمین را **(مزمور ۱۲۴)** آنان که امید
۱۹ - بر خداوند دارند، همانند کوه صهیون
۲۰ - نمی‌لرزند بلکه تا جاودان برجای می‌نشینند. (قانون) هرگز
۲۱ - به لرزه در نمی‌آیند وبراستگان که آنها بر خداوند

لوحه ۶
برگ ۶ رو

۱ - پشت‌گرمند. اورشلیم را کوه

مزبور ۱/۱۲۶, ۵-۳/۱۲۵

۲ـ در پیرامون است؛ و خداوند پیرامون
۳ـ بندگان خویش، از اکنون تا جاودان. زیرا
۴ـ نیاساید چوبدست دروغزنان از
۵ـ بهر ارادایان[۶۲]، و نه یازند
۶ـ اردایان درست به فریب، کرفه کند
۷ـ خداوند به کرفه‌گران، به آنان که
۸ـ راست هستند به دل. و ایشان که
۹ـ کژ رونده‌اند، خداوند آنان را راهبری کند
۱۰ـ با دروغزنان. و درود بر ادیر[۶۳]
۱۱ـ ستوده **(مزمور ۱۲۵)**. هنگامیکه بازگردانَد

مزمور ۵-۲/۱۲۶

۱۲ـ خداوند بردگان صهیون را، می‌شویم همانند
۱۳ـ آنان که شاد هستند[۶۴]. پس آنگاه
۱۴ـ پرباد دهانمان از خنده و
۱۵ـ زبانمان از ستایش[۶۵]. پس می‌گویند[۶۶]
۱۶ـ به پیروان، خداوند کار بسیار کرده است
۱۷ـ با ایشان، خداوند کار بسیار کرده است
۱۸ـ باما. از این روی به شادی هستیم.
۱۹ـ ای خداوند برگردان ما را از بردگی[۶۷] چونان

برگ ۶ پشت

۱ـ بارش‌های بسوی دریا[۶۸]. آنان
۲ـ که با اشک می‌کارند، باشادی

مزمور۲-۱/۱۲۷, ۱۲۶/۶

۳ ـ درو خواهند کرد. رود
۴ ـ وگرید آنکه او را بار بذر است. می‌آید
۵ ـ می‌آید به شادی آنکه او را
۶ - بار بافه است[۶۹]. **(مزمور ۱۲۶)**
۷ ـ اگر خداوند خانه را بنیان نگذارد
۸ ـ بی‌نتیجه رنج می‌برند آنانکه آنرا بنا می‌کنند
۹ ـ (قانون) اطمینانمان بر خداوند است که
۱۰ ـ او خود حسابرس
۱۱ ـ همگان است. اگر خداوند شهر را نپاید
۱۲ ـ سپس بیهوده بی‌خواب خواهند بود
۱۳ ـ پاسبانان. بیهوده‌اند آنان
۱۴ ـ که .... هستند برخاستن و دیر

مزمور ۵-۳/۱۲۷

۱۵ ـ کنند در نشستن[۷۰]؛ که می‌خورند
۱۶ ـ نان را بانگرانی[۷۱]؛ بنابراین
۱۷ ـ بدهد به عزیزان خویش
۱۸ ـ خواب[۷۲]. زیرا ارثیه خداوند فرزندان

لوحه ۷
برگ ۷ رو

۱ ـ هستند، پاداش میوه زهار
۲ ـ چونان تیر در دست زورمند
۳ ـ همانگونه فرزندان جوانی استوارند
۴ ـ خوشا به حال آن مرد که از آنها پر

۵ـ کند کنتیر[۷۳]، و
۶ـ شرمنده نشوند هنگامیکه گفتگو کنند با

مزمور ۳-۱/۱۲۸

۷ـ دشمنان بر دروازه **(مزمور ۱۲۷)**
۸ـ خوشا به حال هرکسی که از خداوند بترسد
۹ـ و برود بر طریق او، (قانون) به پراکن[۷۴]
۱۰ـ ای خداوند موهبت‌هایت را بر بندگانت
۱۱ـ با مهربانی[۷۵] ات. دسترنج خود را
۱۲ـ خواهی خورد، پس خوشا بحالت
۱۳ـ و خوشا به جانت[۷۶]. زنت
۱۴ـ چونان تاک ستوده
۱۵ـ در پیرامون خانه، فرزندت چونان
۱۶ـ درخت زیتون پیرامون سفره‌ات خواهند بود

مزمور ۱/۱۲۹،۶-۴/۱۲۸

۱۷ـ اینک[۷۷] آنگونه مبارک خواهد بود مردی
۱۸ـ که می‌ترسد از خداوند. آفرینت
۱۹ـ کند خداوند از صهیون، و

برگ ۷ پشت

۱ـ خواهی دید سعادتمندی[۷۸] اورشلیم را در همه
۲ـ روزهای زندگیت، و خواهی دید فرزندان
۳ـ فرزندانت را و درود بر ادیر[۷۹]
۴ـ **(مزمور ۱۲۸)** چه بسیار بودند مرا
۵ـ از کودکی ستمگر

۶ـ بگوید[۸۰] ادیر[۸۱]. (قانون) بشنو ای کرفه‌گر[۸۲]
۷ـ بانگ استغاثه ما را؛ ما را بپای

مزمور ۷-۲/۱۲۹

۸ـ از بزه‌گزان، چه بسیار بودند مرا ستمگر
۹ـ از کودکی، ولی برمن نتوانستند
۱۰ـ غالب شوند، آنان بر پشت
۱۱ـ پادفراه کردند[۸۳]؛ آنان برمن طولانی
۱۲ـ کردند تحقیر[۸۴] را. خداوند عادل است،
۱۳ـ و بشکند شاخ و برگ دروغزنان[۸۵] را
۱۴ـ نابود شوند و برگردانده شوند
۱۵ـ همه دشمنان بیهوده صهیون. باشند
۱۶ـ همچون گیاهی که بربام است؛ همی
۱۷ـ وزد برباد، خشک
۱۸ـ بیزد و بخوشد[۸۶]؛ که از آن پر

مزمور ۳-۱/۱۲۹/۸،۱۳۰

۱۹ـ نکند نه دروگر بافه‌ای را

لوحه ۸
برگ ۸ رو

۱ـ و نه بافه چین آغوش را ونه
۲ـ گویند کسانی که می‌گذرند آفرین
۳ـ خداوند بر شما. شمارا آفرین کرده‌ایم
۴ـ به نام خداوند. **(مزمور ۱۲۹)**
۵ـ از ژرفا خواندم خداوند را[۸۷]،

۶ـ خدای من بانگ مرا بشنود[۸۸]
۷ـ گوشهایت نیوشد بانگ
۸ـ استغاثه مرا. (قانون) ای کرفه‌گر و ای صادق و ای بخشاینده[۸۹] (؟)
۹ـ با مهربانی بر ما رحم کن. اگر

مزمور ۸-۴/۱۳۰

۱۰ـ گناهکار را مورد دقت قرار دهی، ای خداوند، چه کسی
۱۱ـ تواند بایستد، زیرا از سوی تو
۱۲ـ هست بخشایش، و برای او ترس
۱۳ـ جان من برای خداوند منتظر[۹۰] است.
۱۴ـ و جان من منتظر سخن اوست.
۱۵ـ منتظرم برای خداوند از پاسی
۱۶ـ از شب و تا پاسی از شب[۹۱].
۱۷ـ ادیر[۹۲] منتظر خداوند باشد زیرا
۱۸ـ از سوی او هستند بخشایش‌ها.
۱۹ـ و او را نجات فراوان همراه است

مزمور ۲-۱/۱۳۱

برگ ۸ پشت

۱ـ نجات دهد ادیر[۹۳] را از هرگونه[۹۴]
۲ـ دروغ. **(مزمور ۱۳۰)** ای خداوند نه دلم
۳ـ دچار کبر شده و نه
۴ـ چشمانم دچار کبر شده‌اند[۹۵]. (قانون) ای خداوند تعالی یابم از
۵ـ خاک و تو را بستایم و تو را سپاسگزار[۹۶]
۶ـ باشم، و نرفته‌ام به راه
۷ـ چیزی که بزرگتر و زورمندتر از من است

۸ـ مگر نرم کردم نَفسم را چونان نوزاد از شیر گرفته
۹ـ در برابر مادر[۹۷]. چونان نوزاد از شیر گرفته

مزمور ۳-۱/۱۳۲,۳/۱۳۱

۱۰ـ بود نَفس من. منتظر باشد
۱۱ـ ادیر خداوند را از اکنون و تا جاودان،
۱۲ـ [۹۸]ستوده باد **(مزمور ۱۳۱)** به یادت
۱۳ـ باشد ای خداوند داود و
۱۴ـ همه مصائبش (قانون) ای مسیحا بپای
۱۵ـ روحانیت را و بیفزای[۹۹] آسانی را در
۱۶ـ انجمن‌هایی که سوگند می‌خورند
۱۷ـ به خداوند و پیمان می‌بندند
۱۸ـ با خالق یعقوب[۱۰۰]، که نخواهم رفت[۱۰۱]
۱۹ـ خیمه[۱۰۲] خانه خویش

مزمور ۸-۴/۱۳۲

لوحه ۹
برگ ۹ رو

۱ـ و برنیایم[۱۰۳] بر بسترگاه
۲ـ وندهم خواب[۱۰۴] بر چشمان
۳ـ و نیز نه غنودن به مژگان[۱۰۵] تا بیابم
۴ـ مکانی برای خداوند، و خیمه‌ای برای خدای
۵ـ یعقوب. اینک شنیدیم اندر
۶ـ [۱۰۶]اِفرتا، ما آنرا در کشتزار یافتیم[۱۰۷]؛
۷ـ رویم به چادرش و نماز بریم
۸ـ به قدمگاه پایش. برخیز

۹ ـ ای خداوند بر آرامشگاه خویش، تو و نیز

مزمور ۱۲-۱۳۲/۹

۱۰ ـ صندوق نیرومندیت. روحانیون تو
۱۱ ـ به اردایی ملبس شوند، و
۱۲ ـ پرهیزگارانت ستوده[۱۰۸] باشند. بخاطر دارد
۱۳ ـ بنده‌ات مگردان[۱۰۹] روی مسیح[۱۱۰] خویش را
۱۴ ـ سوگند خورد[۱۱۱]
۱۵ ـ خداوند برای داود به استواری
۱۶ ـ ـــ و او از آن برنگردد ـ که
۱۷ ـ از ثمره بطنت بنشانم بر
۱۸ ـ تخت تو، اگر فرزندانت بپایند
۱۹ ـ عهد را، و نیز این گواهی را
۲۰ ـ که ایشان را اندرز دهم، پس

مزمور ۱۷-۱۳۲/۱۳

برگ ۹ پشت

۱ ـ فرزندان ایشان نشینند پس از تو، بر
۲ ـ تخت تو جاودانِ جاودان ؛ زیرا
۳ ـ خداوند به صهیون کامِست و آن را
۴ ـ برگزید برای مانش خود. این است مرا
۵ ـ آرامشگاه جاودانِ جاودان. ایدر نشینم
۶ ـ زیرا بر این خوشحال شدم. غلات او را
۷ ـ آفرین کنم ؛ فقیران او را
۸ ـ بانان سیر کنم؛ کاهنان او را
۹ ـ به رستگاری ملبس کنم؛ پرهیزگار او

۱۰ ـ ستوده باد[۱۱۲]. در آنجا پدیدار کنم شیپور[۱۱۳] شاخی را به

مزمور ۲-۱/۱۳۲/۱۸, ۱۳۳/۱-۲

۱۱ ـ داود[۱۱۴]؛ و روشن کنم چراغی
۱۲ ـ برای مسیح[۱۱۵] خود. دشمنان او را ملبس کنم به لباس
۱۳ ـ شرمساری؛......... او بر..............
۱۴ ـ پاکی من[۱۱۶] **(مزمور ۱۳۲)** نیز خوب
۱۵ ـ ونیک است هنگامی که برادران می‌مانند
۱۶ ـ با هم (قانون) ......[۱۱۷]..... و نه
۱۷ ـ می‌گذرد، خدایمان آنرا وعده داد به
۱۸ ـ پاکان خویش؛ چونان روغنی که فرود
۱۹ ـ آید برسر و برریش
۲۰ ـ ریش هارون که فرود آید[۱۱۸]

مزمور ۲،۸-۱/۱۳۴/۳،۱۳۵

لوحه ۱
برگ ۱۰ رو

۱ ـ به خداوند، باشد که آفرینت کند خداوند
۲ ـ از صهیون، او که آفرید آسمان
۳ ـ و زمین را **(مزمور ۱۳۴)** ستایش کنید
۴ ـ برنام خداوند؛ بستایید ای بندگان
۵ ـ خداوند، (قانون) ستاییده هستی از سوی معتقدان
۶ ـ به سبب رهایی آنها، زیرا ایشان را به دستت
۷ ـ رستگاری دادی. ایشان که می‌ایستند
۸ ـ در خانه خداوند[۱۱۹].

برگ ۱۰ پشت

۱ ـ که کشته شدند نخست زادگان مصرین از

مزمور ۱۳-۹/۱۳۵

۲ ـ مردم و تا به...... فرستاد
۳ ـ......... و شگفتی[۱۲۰] را در مصر
۴ ـ بر......... و بر همه
۵ ـ بندگان او؛ که کشته شدند معتقدان بسیار
۶ ـ و کشته شدند شهریاران
۷ ـ نیرومند؛ سیحون شهریار
۸ ـ آموراثیان و عوج شهریار

لوحه ۱۰
برگ ۱۱ رو

۱ ـ کنعان[۱۲۱]. و او داد سرزمین ایشان را
۲ ـ بعنوان ارثیه، ارث به ادیر[۱۲۳] یعنی
۳ ـ قوم خود. ای خداوند نامَت جاودان است، و ای خداوند

مزمور ۱۹-۱۴/۱۳۵

۴ ـ به یادگاری می‌ماند تا نسل اندر
۵ ـ نسل‌ها؛ زیرا حکم می‌کند خداوند بر
۶ ـ قوم خود، و او بابندگان با دلجویی رفتار می‌کند
۷ ـ بت‌های اقوام سیمین و زرین است
۸ ـ دست ساخته مردمان. دهانشان
۹ ـ هست ولی نمی‌گویند. چشمشان هست

۱۰ ـ ولی نمی‌بینند. گوششان هست ولی نه
۱۱ ـ می‌شنوند. ایشان را نیست دمی در
۱۲ ـ دهان. خود آنگونه‌اند و خواهند بود چونان
۱۳ ـ کسانی که بوسیله آنها ساخته شده‌اند، و هر که به ایشان
۱۴ ـ مطمئن شود. ای اسراییلیان[۱۲۳]

مزمور ۱/۱۳۶،۲۱-۲۰/۱۳۵

۱۵ ـ آفرین کنید خداوند را. ای هارونیان
۱۶ ـ آفرین کنید خداوند را. ای لاویان
۱۷ ـ آفرین کنید خداوند را. ای ترسندگان
۱۸ ـ از خداوند، آفرین کنید خداوند را
۱۹ ـ متبارک است خداوند از صهیون. او

برگ ۱۱ پشت

۱ ـ که او را سکونت در اورشلیم است، ستوده باد.
۲ ـ **(مزمور ۱۳۵)** سپاسگزار باشید
۳ ـ خداوند را زیرا نیکوست و او جاودانه
۴ ـ بخشاید. (قانون) باشد که سپاسگزار باشند نسبت به
۵ ـ خداوند ما که با بسیاری

مزمور ۷-۲/۱۳۶

۶ ـ لطف خود رهایی می‌بخشد به گزیدگان خود از دست
۷ ـ ناترسایان. سپاسگزار باشید نسبت به
۸ ـ خدای خدایان که او جاودانه می‌بخشاید.
۹ ـ سپاسگزار باشید نسبت به خدای خدایان
۱۰ ـ که او جاودانه می‌بخشاید، کسی که از سوی او انجام می‌شوند

۱۱ ـ شگفتی‌های.............
۱۲ ـ که او جاودانه می‌بخشاید؛ کسی که برساخت آسمانها را
۱۳ ـ با حکمت [۱۲۴] خویش ؛ کسی که جاودانه می‌بخشاید.
۱۴ ـ کسی که زمین را گسترانید[۱۲۵] برآب
۱۵ ـ کسی که جاودانه می‌بخشاید؛ کسی که از سوی او آفریده می‌شوند
۱۶ ـ روشنی‌های بزرگ ؛ کسی که جاودانه می‌بخشاید

مزمور ۱۵-۱۳۶/۸

۱۷ ـ آفتاب[۱۲۶] را برای پادشایی روز[۱۲۷]؛
۱۸ ـ او که جاودانه می‌بخشاید، ماه [۱۲۸] و ستاره را
۱۹ ـ برای پادشایی شب ؛ او که

لوحه ۱۱
برگ ۱۲ رو

۱ ـ جاودانه می‌بخشاید. کسی که از سوی او نابود شدند نخستین زادگان
۲ ـ مصرین، او که جاودانه می‌بخشاید، او که به
۳ ـ آورد ادیر[۱۲۹] را از میان[۱۳۰] آنها، که او راست
۴ ـ بخشایش جاودان، با دست نیرومند
۵ ـ و با بازوی متعالی ؛ که او راست جاودانگی
۶ ـ بخشایش. کسی که تقسیم کرد دریای
۷ ـ سرخ [۱۳۱] را ...... او که جاودانه می‌بخشاید،
۸ ـ و او که گذراند ادیر[۱۳۲] را از میانش،
۹ ـ او که جاودانه می‌بخشاید؛ از سوی او انداخته[۱۳۳]

مزمور ۲۱-۱۳۶/۱۶

۱۰ ـ شدند .... و نیروی او را در دریای
۱۱ ـ سرخ، که او راست بخشایش جاودان

۱۲ ـ کسی که حمایت کرد معتقدان خویش را در
۱۳ ـ بیابان، که او راست بخشایش جاودان.
۱۴ ـ کسی که از سوی او نابود شدند شهریاران بزرگ
۱۵ ـ او که جاودانه می‌بخشاید. کسی که از سوی او کشته
۱۶ ـ شدند شهریاران نیرومند
۱۷ ـ او که جاودانه می‌بخشاید؛ سیحون شهریار
۱۸ ـ آمورائیان، او که جاودانه می‌بخشاید؛
۱۹ ـ و عوج شهریار باشان، او که

برگ ۱۲ پشت

۱ ـ جاودانه می‌بخشاید، و او داد سرزمین
۲ ـ ایشان را بعنوان ارثیه، او که جاودانه می‌بخشاید

مزمور ۱۳۶/۲۲-۲۶،۱۳۷/۱

۳ ـ ارث به ادیر[۱۳۴] بندهٔ خود[۱۳۵]، او که جاودانه می‌بخشاید.
۴ ـ در یاد او بود تحقیرمان،
۵ ـ که او راست بخشایش جاودان، او نجات
۶ ـ دادمان از دشمنانمان، او که جاودانه می‌بخشاید.
۷ ـ کسی که خوردنی می‌دهد به هر
۸ ـ گرسنه‌ای[۱۳۶]، او که جاودانه می‌بخشاید. سپاسگزار
۹ ـ باشید نسبت به خدای در آسمانها، که او راست
۱۰ ـ بخشایش جاودان **(مزمور ۱۳۶)**
۱۱ ـ بر رودستان[۱۳۷] بابل، در آنجا
۱۲ ـ نشستیم. و ماگریستیم

مزمور ۱۳۷/۲-۳

۱۳ ـ هنگامی که صهیون را بیاد آوردیم (قانون) از آنجایی

۱۴ ـ که اورشلیم گناه کرد و نه
۱۵ ـ پذیرفت انبیا و پیامبرانی را که بسوی او
۱۶ ـ آمدند، شد رسوایی[۱۳۸]
۱۷ ـ میان اقوام، و مابر .... در میان آنها
۱۸ ـ آویختیم کنار مانرا[۱۳۹]. زیرا در آنجا
۱۹ ـ پرسیدند از ما آنانکه برده کردند......

قطعه

لوحه ۱

(آغاز سطر).b

۱-//

۲-سپاسگزار ....

۳- ِ پاک ......

۴-//

a. (پایان سطر)

۱-//]

۲-]......

۳-می‌کند

۴-//[

زبور پهلوی

۴ ـ یادداشت‌ها

۱- wysndkyhy، نگرانی، درد، جدایی، از اوستا -vi-sand ؛ مقایسه شود با passand از pati-sanda- از اوستا: -sand؛ Bartholomae 1979,1559

۲- hw>mwšy، خاموش؛ در ترجمه‌های فارسی موجود زبور در کتاب مقدس: فانی، استیصال؛ اما موضوع مهم و قابل توجه اینکه در متون پهلوی این واژه همه‌جا بصورت h>mwš آمده است. این امر نشاندهنده این است که نه تنها زبان پهلوی از صورت تحول یافته واژه بهره گرفته بلکه خط پهلوی نیز این تحول را پذیرفته است همانگونه که در فارسی نو نیز این امر دیده می‌شود.

۳- منظور یهوه است. در متن پهلوی زبور به یهوه گاهی با واژه ایزد و گاه با واژه خدا اشاره شده است.

۴- dlyw>y دریا؛ در متون پهلوی dlyd>(p) = draya̅(b). سریانی ym>. نیبرگ ضمن اینکه واژه فوق را بصورت dlyw>w داده، آنرا گونه عجیب و غریب بی‌توجیهی میداند Nyberg 1974,66 ؛ در حالیکه نظر نگارنده بر این است که املاءِ خاص واژه احتمالاً تعلق آنرا به گویش فارسی مسیحیان ایران بویژه نستوریان پارسی زبان نشان می‌دهد.

۵- kynk>lyḥy کین کاری. این ترکیب یکی از ترکیبات نادر در زبان پهلوی است که می‌توان

گفت احتمالاً در هیچیک از متون پهلوی نیامده و از این روی هیچیک از واژه نامه‌های موجود به آن اشاره‌ای ندارند.

۶- >m>ty از >m>tn، آماده کردن، بسیجیدن، مقایسه شود با آمودن، بن مضارع: āmāy، āmūy-؛اوستا:-āmāta = آزموده، از-mā(y) سنجیدن. معین ج ۱، ۸۷؛ هوبشمان ۱۳۵۶، ۵۱-۵۲؛ Bartholomae 1979,1165

۷- هم در متن پهلوی زبور، هم در متن عبری آن نقطه اتمام جمله پس از عبارت «چهل سال» آمده است. این امر نشاندهنده این است که قید «چهل سال» به جمله «آنان آزمودند، آنان دیدند کنش مرا.....» مربوط می‌شود؛ در حالیکه در ترجمه‌های موجود فارسی، ایتالیایی و غیره، نقطه پایان جمله پیش از قید «چهل سال» آمده است و این قید به جمله «رشگین بودم نسبت به آن نسل» مربوط شده است.

۸- būd-im=bwtm بودم ؛ این فعل با این ساخت صرفی نشاندهنده تاثیر پذیری آن از ساخت صرفی مربوطه در فارسی نو است. در پهلوی می‌بایست بصورت būd hēm می‌آمد. بسامد فراوان این گونه ساخت‌ها اعم از فعلی و اسمی مبین گسترش فارسی نو و تحول زبان پهلوی است.

۹- در برخی از ترجمه‌های فارسی و نیز در ترجمه عبری زبور: «یهوه را سرود تازه بسرایید».

۱۰- در کتاب مقدس: «ای تمامی زمین خداوند را بسرایید». ؛ ترجمه عبری زبور همانند متن پهلوی؛ ترجمه ایتالیایی: «ای ساکنان روی زمین خداوند را بسرایید.» این جمله را در متن پهلوی زبور می‌توان به «بستایید خداوند همه زمین را» نیز ترجمه کرد.

۱۱- در ترجمه موجود فارسی، ایتالیایی و متن عبری زبور به جای واژه «تهی» واژه «بُت» به کار رفته است.

۱۲- در ترجمه فارسی زبور در کتاب مقدس: قدس، مقام مقدس، در ترجمه عبری: qdāšō = قدس؛گاهی مقصود از قدس محل مقدسی است که برای خداوند تقدیس شده، گاه منظور از آن تمام خیمه یا هیکل و گاهی قصد از آن محلی است که مذبح، بخور و چراغدان طلایی و میزنان در آنجا نگاهداری می‌شده است. هیکل یا قدس زمینی مطابق نمونه قدس آسمانی است. نک. هاکس ۱۹۲۸، ص ۶۸۹-۶۸۸؛ حییم ۱۳۴۴، ص ۴۷۷.

۱۳- در ترجمه فارسی موجود در کتاب مقدس: «توصیف نمایید»؛ در ترجمه ایتالیایی: «بدهید»؛ در ترجمه عبری: hāḇū = بدهید ؛ در ترجمه سریانی: «hbw = بدهید».

۱۴- در متن پهلوی زبور: p>dlky ؛ احتمالاً نوعی املا تاریخی است برای p>lky

۱۵- در ترجمه فارسی زبور در کتاب مقدس: «بیاورید» که دقیقاً با ترجمه ایتالیایی آن مطابقت

می‌کند.

۱۶- در متن پهلوی زبور: $sl^{>}wlty$؛ در متون پهلوی: $sl^{>}d$ = srāy.

۱۷- در متن زبور پهلوی $wcnd^{>}t(y)[š]$=wizandād-iš. این فعل با این ساخت سوم شخص مفرد وجه التزامی زمان حال است. در حالیکه در ترجمه فارسی زبور در کتاب مقدس و نیز ترجمه ایتالیایی آن به قیاس فعل قبل و بعد از آن که هر دو باوجه امری مورد استفاده قرار گرفته‌اند، این فعل نیز به وجه امری ترجمه شده است.

۱۸- در زبور پهلوی: ardāyīh؛ در متن عبری: ṣidq̱āt̄ō، که هر دو مورد با یکدیگر مطابقت دارند. در ترجمه فارسی زبور در کتاب مقدس: عدالت.

۱۹- در متن سریانی: $ld\ byt\ ^{>}ysryl$ = برای خاندان اسراییل؛ در متن عبری: $l\partial b\bar{e}t\ yi\check{s}r\bar{a}^{>}\bar{e}l$ = خاندان اسراییل؛ مطابق با ترجمه فارسی و ایتالیایی زبور در کتاب مقدس. در این متن منظور از اسراییل لقب یعقوب بن‌اسحاق است، نک. هاکس ۱۹۲۸ ص ۵۳؛ این واژه در ترجمه پهلوی زبور پیوسته بصورت $^{>}dyly$ = adēr آمده است. و در این بند با شناسه جمع به گونه $^{>}dyl^{>}n$ که منظور همان خاندان و اهل بیت یعقوب بن اسحاق است. در ترجمه متن پهلوی زبور برای حفظ اصالت گونه پهلوی اعلام گوناگون این نام در صورت اسمی به شکل «ادیر» به کار رفته است.

۲۰- «کنار» نام سازی است سیمی؛ چنگ

۲۱- در متن پهلوی $m^{>}hm^{>}n$ = mihmān «مهمان»؛ این یکی از زیباترین تعبیراتی است که می‌توان برای اشاره به ساکنان زمین به کار برد.

۲۲- منظور «حضرت باری» است و نه «در حضور او».

۲۳- در متن پهلوی زبور $^{>}nd^{>}ḥtny$ = andāxtan. این نوشتار زیر تاثیر فارسی نو قرار دارد. در متون پهلوی املاء و قرائت واژه فرق بصورت $hnd^{>}htn$ = handāxtan آمده است. بن‌مضارع آن نیز در این متن همین ویژگی را دارد. بن مضارع در متون پهلوی: $hnd^{>}c$-=handāz-.

۲۴- واژه «خداوند» در متن فارسی زبور در کتاب مقدس با آنچه که در متن پهلوی زبور و نیز متن سریانی آن آمده کاملاً مطابقت دارد: پهلوی: MRWHY؛ سریانی $mry^{>}$؛ در حالیکه در متن عبری زبور به جای آن واژه yəhwā = یهوه» به کار رفته است.

۲۵- از این واژه در متن تنها šdmky... باقی مانده در حالیکه آندریاس حروف باقیمانده را بصورت [.](š)ydmky آورده است. حروف فوق باید باقیمانده واژه nšdmk=nišēmag به معنی «محل جلوس» باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود بازسازی آندریاس با صورت

پهلوی واژه همخوان نیست.

۲۶- در ترجمه پهلوی: wādēn؛ در ترجمه سریانی: krwb>؛ در ترجمه عبری زبور: kərūb̲īm، در ترجمه ایتالیایی به عنوان و امواژه: cherubini؛ در ترجمه‌های فارسی موجود از زبور: کروبیان.

۲۷- این قانون دارای برابر سریانی نیست. احتمالاً ترجمه سریانی آن دچار افتادگی شده است.

۲۸- از این واژه در متن تنها dšny>... مانده که آندریاس آنرا بصورت dsny(>hw>) آنهم با قرائتی نامعلوم بازسازی کرده است. نک Andreas, Barr,1931,119.

۲۹- واژه در متن پهلوی زبور: hlwpty>؛ که املاءِ و قرائت واژه در متون پهلوی: = ahrāft، >hl>pt.

۳۰- در متن آندریاس - بار، از این مزمور به بعد تا پایان متن پهلوی زبور، شماره مزامیر نسبت به متون دیگر از جمله فارسی، سریانی، عبری، ایتالیایی و غیره یک شماره کمتر است. سبب این امر و محل استناد آن شماره‌ای است که در لابلای متن پهلوی زبور آمده است. در پژوهش حاضر شماره روی مزامیر همانند متون دیگر موجود زبور اصلاح شده ولی شماره‌های داخل متن کماکان برجای مانده است. احتمالاً در این مورد یا مترجمین سریانی زبان زبور هنگام ترجمه آن به پهلوی دچار اشتباه شده‌اند و یا متنی دیگری از زبور را در اختیار داشته‌اند که شماره فصول آن با متون موجود زبور متفاوت بوده است. نگارنده احتمال دوم را بیشتر می‌پذیرد زیرا اولاً در مواردی بیان مطالب نیز با ترجمه‌های موجود تفاوت دارد که به این موارد در یادداشت‌ها اشاره شده است، و دیگر اینکه بندهایی با عنوان «قانون» در این متن دیده می‌شود که در هیچیک از متون موجود زبور نیامده است.

۳۱- در متن پهلوی زبور بصورت دخیل:[>]zdykwt= zaddīqūθā «عدالت و انصاف»؛ آندریاس این واژه را بطور کامل حرفنویسی و قرائت کرده در حالیکه در متن پهلوی آن، واژه کامل نیست. در ترجمه سریانی: zdyqwt>؛ در ترجمه عبری: Sədāqā که البته در آغاز آن حرف عطف نیز آمده است.

۳۲- در متن پهلوی زبور به عنوان واژه دخیل به دو صورت فعلی -lhmyd و نیز اسم فعل lhmydy آمده است. آندریاس صورت نخست را هزوارش دانسته در حالیکه اشاره‌ای به برابر پهلوی آن ندارد؛ و صورت دوم را بدون اشاره به هزوارش بودن یا نبودن آن، برابر با واژه پهلوی -abaxšāy می‌داند، نک Andreas/Barr, 1931,135-136. این واژه در متن پهلوی زبور کاملاً یک واژه دخیل به معنی «رحمانیت، بخشایش» است. احتمالاً صورت فعلی آن که شناسه صرفی و نیز ضمایر متصل پهلوی بخود می‌گیرد از یک سو، و برابری معنایی آن با

abaxšāy و نیز abaxšāyišn پهلوی از سوی دیگر آندریاس را به این اندیشه وا داشته که آنرا هزوارش بداند. این وضعیت یعنی کاربرد واژه‌های دخیل آرامی، عبری و سریانی اعم از صورت‌های اسمی و یا فعلی همراه با شناسه‌های صرفی و یا پسوندهای گوناگون از ویژگی‌های بارز این متن است ؛ به عبارت دیگر این واژه‌های دخیل را نباید با هزوارش مطابق دانست زیرا هزوارش صرفاً یک پدیده خطی است و یک ویژگی نوشتاری به حساب می‌آید در حالیکه واژه‌های دخیل یا واموازه‌ها دارای ویژگی‌های زبانی هستند.

۳۳- در متن پهلوی زبور: āmōz = >mwcy. این صورت از واژه زیر تاثیر فارسی نو قرار دارد. در متون پهلوی املاء و قرائت واژه فوق بصورت -hmwc=hammōz آمده است.

۳۴- در متن پهلوی زبور: ēwēn=>dwyny؛ در متن سریانی >nmws؛ در متن عبری: tōrāteḵā = تورات ؛ تورات به معنی آیین، قانون، شریعت، نک. حییم ۱۳۴۴، ص ۵۸۴.

۳۵- نک. یادداشت شماره ۸.

۳۶- در متن پهلوی زبور: sag ī nēw= sky ZY TB «جواهر اصل، سنگ اصل». ترجمه‌های فارسی موجود زبور: طلا و زرخالص؛ ترجمه ایتالیایی نیز همان؛ ترجمه عبری: mi zzāhāḇ ūmipāz =طلا و زر؛ ترجمه پهلوی به نظر نگارند درست‌تر بنظر می‌رسد زیرا در متن دوست داشتن اندرز خداوند با دو چیز قیاس شده و بنظر منطقی نمی‌آید که آن دوچیز هر دو طلا باشند.

۳۷- این جمله در هیچیک از ترجمه‌های موجود زبور نیامده است.

۳۸- در متن پهلوی زبور: h>mdwyn که به این صورت دارای قرائت درستی نمی‌تواند باشد. چنانچه در واژه فوق جای دو واج dw را با یکدیگر عوض کنیم واژه به h>mwdyn تبدیل می‌شود که در این صورت hāmōyēn به معنی «هر، همه، هرگونه» قرائت خواهد شد.

۳۹- واژه بصورت دخیل در متن زبور پهلوی: šāna = š>nh «دشمن»؛

۴۰- در ترجمه فارسی و نیز ایتالیایی: کشف کلام تونور می‌بخشد و ساده دلان را فهیم می‌گرداند.

۴۱- در متن پهلوی زبور: urwāzist = >wlw>csty. آندریاس این واژه را صفت‌برترین به معنی «محبوب‌ترین» از صورت اوستایی urvāzišta، با قاعده دگرگونی گروه آوایی št>st، می‌داند. در حالی که واژه دارای صورت فعلی است و ارتباطی به ساخت صفت‌برترین ندارد.

۴۲- در ترجمه فارسی زبور و نیز ترجمه ایتالیایی آن: بر من نظر کن و کرم فرما، برحسب عادت تو، به آنانی که نام تو را دوست می‌دارند. در ترجمه‌ای دیگر به فارسی: بمن بنگر و بمن عنایت فرما بنهجی که محبان اسم خود را دوست می‌داری.

۴۳- در ترجمه فارسی و ایتالیایی: قدم‌های مرا در کلام خودت پایدار ساز تا هیچ بدی برمن

تسلط نیابد. در ترجمه‌ی دیگر فارسی: اقدام مرا در کلامت آراسته ساز تا آنکه هیچگونه عصیان برمن تسلط نه نماید.

۴۴- ترجمه فارسی و ایتالیایی: ای خداوند تو عادل هستی و داوریهای تو راست است. در متن عبری: ṣedīq >atā yəhwā wəyāšār mišpāṭeḵā، در ترجمه‌ای دیگر به فارسی: ای خداوند تو صادقی و احکام تو راست است. این ترجمه هم با متن عبری و هم با متن پهلوی کاملاً مطابقت می‌کند.

۴۵- در متن پهلوی زبور >p = u. این حرف عطف در متون پهلوی همیشه با پیوستگی به یکی از ضمایر متصل ششگانه ظاهر می‌شود. احتمالاً این مورد زیر تاثیر صورت آرامی و عبری اتفاق افتاده است و از ویژگی‌های بارز این متن به شمار می‌رود.

صورت پهلوی عبارت: u pad wurrōyišn abēr

صورت عبری عبارت: we >ĕmūnā mə>ōḏ و به ایمان بسیار

۴۶- در ترجمه فارسی و ایتالیایی: غیرت من مرا هلاک کرده است. متن عبری: ṣimməṯaṯni qin<āṯī که دارای همان معنی است.

۴۷- در ترجمه فارسی: عدالت توعدل است تا ابدالاباد و شریعت توراست است. ترجمه ایتالیایی: عدالت تو عدالتی جاودان است و شریعت تو حقیقت است. در متن عبری:

ṣiḏəqāṯəḵā ṣeḏeq lə<ōlām wəṯōrāṯəḵā ĕmeṯ

صدقت صدق جاودان و شریعت تو همیشگی است.

۴۸- نک. یادداشت شماره ۱۹. بین قسمت پیش و این قسمت، مقدار زیادی افتادگی وجود دارد. حتی در همین قسمت نیز بندهای ۴-۱ افتاده است.

۴۹- در متن عبری: ša>ălū šəlōm yərūšālāmi

برابر با متن سریانی: š>lw bšlmh d>wršlm

و برابر با ترجمه موجود فارسی و ایتالیایی.

۵۰- در ترجمه فارسی و ایتالیایی: سلامتی در باروهای تو باشد. در ترجمه عبری نیز به همین صورت: yəhī-šalō bəḥēylēḵ.

۵۱- برای واژه «پروار» نک. هرن - هوبشمان ۱۳۵۶، ص ۳۶۸؛ و نیز Mackenzie 1977, 64.

۵۲- نک. یادداشت شماره ۳.

۵۳- نک. یادداشت شماره ۳۰.

۵۴- در متن عبری جمله با hinnē = «اینک، هان» آغاز می‌شود همانند ترجمه موجود فارسی و

ایتالیایی.

۵۵ـ در ترجمه فارسی، ایتالیایی: تا بر ما کرم فرماید». در این جمله فعل بصورت مضارع التزامی سوم شخص مفرد ترجمه شده در حالیکه در متن پهلوی همانند متن عبری فعل بصورت دوم شخص مفرد التزامی آمده است.

۵۶ـ در ترجمه فارسی: اسراییل الان بگوید؛ در ترجمه دیگر فارسی: حال اسراییل بگوید؛ هر دو همانند ترجمه ایتالیایی، در متن عبری: yəimar-nā yišrā>ēl=هر چه زودتر (و یا: لطفاً) بگوید اسراییل به ما.

۵۷ـ نک. یادداشت شماره ۱۹.

۵۸ـ در ترجمه پهلوی: kunāgar-imān. ترکیب «کناگر» از ترکیبات بسیار نادر در زبان پهلوی است.

۵۹ـ در ترجمه فارسی همانند ایتالیایی: چون خشم ایشان بر ما افروخته بود، آنگاه آبها ما را غرق می‌کرد. در ترجمه دیگر فارسی: آنگاه ایشان وقتی که غضب‌شان برما افروخته می‌شد ما را زنده می‌بلعیدند، آنگاه آبها ما را غرق می‌نمودند. ترجمه سریانی همانند ترجمه پهلوی: چنانچه خشم آنها برما برخاسته می‌شد، آنان ما را برآب غرقه می‌کردند. همانگونه که ملاحظه می‌شود این دو ترجمه با یکدیگر تفاوت بنیادی دارد. در متن عبری نیز به همین صورت.

۶۰ـ نک. یادداشت شماره ۴۵.

۶۱ـ همانند bwtm در PS.95/9-11. نک یادداشت شماره ۸.

۶۲ـ در متن پهلوی زبور ardāyūn. این ساخت جمع پارتی است و در پهلوی با ān ـ ساخته می‌شود.

۶۳ـ نک. یادداشت شماره ۱۹.

۶۴ـ در ترجمه فارسی: چون خداوند اسیران صهیون را باز آورد، مثل خواب بینندگان شدیم، آنگاه دهان ما از خند پرشد. همانند ترجمه ایتالیایی. در ترجمه دیگر فارسی: وقت باز پس آوردن خداوند اسیران صیون را مثل خواب بینندگان بودیم، آنگاه دهان ما از خنده و زبان ما از گلبانگ پر شد. همانگونه که ملاحظه می‌شود تمام افعال در زمان گذشته صرف شده در حالیکه در متن عبری زبور افعال بصورت مضارع آمده‌اند و این امر دقیقاً با ترجمه پهلوی زبور مطابقت می‌کند.

۶۵ـ در ترجمه فارسی: و زبان ما از ترنم؛ در ترجمه دیگر فارسی: و زبان ما از گلبانگ... همانند ترجمه ایتالیایی. واژه در متن پهلوی زبور بصورت دخیل: šubhāستایش، مدح .

۶۶ـ در ترجمه فارسی و ایتالیایی بصورت فعل گذشته: گفتند. در متن پهلوی زبور بصورت زمان حال دقیقاً برابر با ترجمه عبری: yə>imərū؛ سریانی: yamrū.

۶۷ـ در ترجمه فارسی: ای خداوند اسیران ما را باز آور؛ در ترجمه دیگر فارسی: ای خدوند اسیران ما را برگردان. این دو ترجمه هیچیک با ترجمه ایتالیایی مطابقت ندارد زیرا نخست اینکه واژه «اسیران» در ترجمه‌های فارسی در برابر واژه درست «اسارت» در ترجمه‌های عبری سریانی، ایتالیایی و پهلوی آمده و دیگر اینکه واژه به تبع ترجمه فوق از واژه «اسارت» واژه «برگرداندن» به معنی «تغییر دادن، دگرگون کردن» نیز به «باز آوردن و یا برگرداندن» به معنی مراجعت دادن ترجمه شده است.

۶۸ـ در ترجمه فارسی: مثل نهرها در جنوب؛ در ترجمه دیگر: مثل سیل‌ها به سمت جنوب؛ در ترجمه ایتالیایی: همانند رودهای جاری در سرزمین جنوبی ؛ در ترجمه عبری: ba>ăpīqīm bannegeb = همانند رودها در بخش جنوبی (= از بحرالمیت تا بندرایلات). آندریاس در ترجمه آلمانی خود هردو واژه «regenbäche = جوی یا رود حاصله از باران» و نیز «im süden در جنوب» را با علامت سئوال که تردید او را در ترجمه نشان می‌دهد، آورده است. از این روی با توجه به اختلافات موجود در ترجمه و نیز تردید آندریاس در بیان خود از یک سو و مفهوم روشن ترجمه پهلوی، نگارنده معتقد است که عبارت «بارش‌ها بسوی دریا» درست بنظر می‌رسد هم از نظر مفهوم منطقی و هم از نظر صراحت در واژگان. برای واژه drītāg نک. یادادشت شماره ۴ در مورد واژه drīwāg.

۶۹ـ در ترجمه فارسی: آنکه با گریه بیرون می‌رود و تخم برای زراعت می‌برد هر آیینه با ترنم خواهد برگشت و بافه‌های خویش را خواهد آورد؛ در ترجمه دیگر فارسی: کسی که گریه کنان بیرون رفته بذر کاشتنی را برمیدارد البته دسته‌های در دستش با گلبانگ بر خواهد گشت؛ در ترجمه ایتالیایی: آنانکه در حال گریستن می‌روند، در حالیکه بذر با ارزشی را حمل می‌کنند، البته با سرودها و ترنم مراجعت می‌کنند در حالیکه بافه‌های خود را حمل می‌کنند. در ترجمه‌های فوق این دو جمله با یکدیگر مرتبط شده‌اند ولی در ترجمه پهلوی این ارتباط دیده نمی‌شود.

۷۰ـ در ترجمه فارسی: بیفایده است که شما صبح زود بر میخیزید و شب دیر می‌خوابید؛ در ترجمه ایتالیایی: شما که صبح زود بر میخیزید و در استراحت تا خیر می‌کنید؛ در ترجمه دیگر فارسی: از برای شما بی‌فایده است که سحرخیزی بنمایید و در نشستن تاخیر نمایید.

۷۱ـ در ترجمه فارسی: و نان مشقت را می‌خورند؛ در ترجمه دیگر فارسی: و نانِ رنج آور بخورید؛ مورد دوم مطابق با ترجمه ایتالیایی و نیز ترجمه عبری.

۷۲- در متن پهلوی بصورت واموازه: dmyk. آندریاس آنرا با احتمال هزوارش دانسته که البته نمی‌تواند درست باشد. آرامی dmk= خوابیدن ؛ وجه مفعولی گذشته dəmīk، آرامی یهودی: dəmīkta̱

۷۳- این واژه در متن آندریاس بصورت kytyly و در واژه‌نامه متن او بصورت kwtyly آمده که هردو اشتباه است. این در حالی است که واژه فوق در متن اصلی زبور بصورت درست kntyly دیده می‌شود، از این روی مورد اصلاح قرار گرفت.

۷۴- در متن پهلوی زبور: ōbarān فعل امر دوم شخص مفرد، اوست: ava-bar.

۷۵- بصورت واموازه: taibūθā، سریانی taibūta̱ = ṭybwt>

۷۶- در ترجمه فارسی همانند ترجمه ایتالیایی: خوشابحال تو و سعادت با تو خواهد بود؛ در ترجمه فارسی دیگر: خوشاحالِ تو که خوشی با تو خواهد بود؛ ترجمه آندریاس به آلمانی کاملاً با متن پهلوی زبور خواناست.

۷۷- در پهلوی ēd؛ در عبری hinnā؛ برابر با صورت هزوارشی پهلوی: HN>.

۷۸- در ترجمه پهلوی زبور: kirbag دقیقاً برابر با ترجمه عبری: bə ṭūb که البته در متن عبری برابر، قاعده، این دو بخش سرهم آمده است.

۷۹- نک. یادداشت شماره ۱۹

۸۰- نک. یادداشت شماره ۵۶

۸۱-نک. یادداشت شماره ۱۹

۸۲- از صفات خداوند است.

۸۳- منظور از این جمله این است: آنان بر پشت من، مرا مجازات کردند». این جمله در ترجمه فارسی: شیار کنندگان بر پشت من شیار کردند «؛ و در ترجمه دیگر فارسی: فلاحت کنندگان در پشت من شیار کردند»، آمده است. این ترجمه‌ها دقیقاً با متن ایتالیایی و نیز متن عبری که در آن آمده: hāršū ḥōršīm مطابقت می‌کند.

۸۴- در ترجمه فارسی: و شیارهای خود را دراز نمودند. همانند ترجمه ایتالیایی و عبری.

۸۵- در ترجمه فارسی: بندهای شریران راگسیخت؛ دقیقاً برابر ترجمه عبری و نیز ایتالیایی.

۸۶- در ترجمه فارسی: پیش از آنکه آنرا بچینند می‌خشکد؛ در ترجمه دیگر فارسی: پیش از رسیدن پژمرده می‌شود؛ برابر با ترجمه ایتالیایی؛ در ترجمه عبری بجای «گیاه»، «حصیر». در واقع منظور از: همانند گیاهی که بر بام است...» همان حصیر و گیاه خشک حصیر مانند روی بامهاست.

۸۷- در ترجمه فارسی: ای خداوند از عمقها نزد تو فریاد برآورم ؛ در ترجمه فارسی دیگر: ای

خداوند از مکانهای عمیق ترا فریاد کردم؛ ترجمه ایتالیایی همانند ترجمه فارسی اخیر. ترجمه عبری دقیقاً برابر با ترجمه پهلوی: mima<ămaqqīm qərātīka yəhwā.

۸۸- در ترجمه فارسی، ایتالیایی و عبری، این فعل بصورت امر آمده است که هم با املای فعل در متن پهلوی و هم با ساخت فعل بعدی که با آن مربوط است، سازگاری ندارد.

۸۹- آندریاس این واژه را بصورت hwt>n آورده که با توجه به صورت واژه در متن پهلوی زبور که املاء hwttn را نشان می‌دهد، وی واژه را اصلاح نموده است.

۹۰- در متن پهلوی: pand pāyēd؛

۹۱- در ترجمه فارسی: جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح بلی زیاده از منتظران صبح؛ در ترجمه دیگر فارسی: جانم از منتظران صبحدم بلکه از منتظران صبحدم زیاده از خداوند [انتظار] می‌کشد.

۹۲- نک. یادداشت شماره ۱۹.

۹۳- نک. یادداشت شماره ۱۹.

۹۴- آندریاس واژه را به اشتباه بصورت h>md(wy)n آورده در حالیکه در متن اصلی بدرستی بصورت h>mwd(y)n آمده است.

۹۵- در ترجمه فارسی: ای خداوند دل من متکبر نیست و نه چشمانم بر افراشته؛ در ترجمه دیگر فارسی: ای خداوند قلبم بلند و چشمانم رفیع نیست؛ برابر با ترجمه ایتالیایی. واژه پهلوی ahrōft که دوبار در این بند به کار رفته (ahrōft دوم در متن اصلی بین h و p دچار افتادگی شده و از این روی برپایه واژه نخست مورد اصلاح قرار گرفته است) در پهلوی با معانی «بلند شده، مرتفع، بر افراشته، متعالی» بکار رفته که هیچیک از آنها در بند فوق افاده معنی نمی‌کند. برابر همین واژه در متن ترجمه عبری. در بار نخست واژه gāḇahū و دربار دیگر واژه rāmū بکار رفته که یکی از معانی هر دو «کبر، غرور، متکبر» است.

۹۶- در متن پهلوی bwltyšnwhly از بخش نخست این واژه در متن اصلی تنها lty - دیده می‌شود.

۹۷- ترجمه فارسی: خویشتن را به کارهای بزرگ مشغول نساختم و نه بکارهایی که از عقل من بعید است بلکه جان خود را آرام و ساکت ساختم مثل بچه از شیر باز داشته شده نزد مادر خود؛ در ترجمه دیگر فارسی: به افعال عظیم و عجیب‌تر از منصبم گردش نکردم، بدرستی که جان خود را مثل طفل باز داشته شده از شیر مادرش متواضع و اسکات نمودم؛ همانند ترجمه ایتالیایی. در متن عبری: bigədōlōt ūḇnipəlā>ōṯ mimmenni = من بدنبال چیزهای بزرگ و چیزهایی که غیرقابل دسترسی هستند نمی‌روم.

۹۸- در متن بصورت وامواژه: šubhā این واژه پس از پایان جمله پیش از خود آمده و چون بنظر می‌رسیده که افاده معنی نمی‌کند از این روی در هیچیک از ترجمه‌های موجود نیامده است؛ حتی آندریاس نیز در ترجمه خود آنرا نیاورده است.

۹۹- در متن پهلوی زبور: wskun. در متن اصلی زبور صورت هزوارشی kun، به‌گونه‌ای ناقص به شکل OBYDW یعنی بدون N آمده است.

۱۰۰- در ترجمه فارسی: چگونه برای خداوند قسم خورده و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود؛ در ترجمه دیگر فارسی: آنکه به خداوند سوگند یاد نموده [بخدای] قدیر یعقوب نذر نمود؛

۱۰۱- در متن پهلوی زبور: šawān، صورت هزوارشی OLLWNn؛ در متن اصلی این واژه کاملاً بهم ریخته است.

۱۰۲- در متن پهلوی زبور aškōb ؛ این واژه در متن‌های پهلوی با معنی «خیمه و چادر» بکار نرفته است اما از آنجائیکه در برابر واژه عبری ōhel< قرار گرفته و این واژه در زبان عبری با معنی «خیمه و چادر» فراوان به کار رفته لذا بنظر می‌رسد که یکی از معانی «اشکوب» در پهلوی نیز «چادر و خیمه» باشد.

۱۰۳- در متن پهلوی زبور بصورت هزوارش فعلی: salqūnān با شناسه صرفی اول شخص مفرد التزامی حال. آندریاس آنرا با ریشه آرامی -slq و صورت سریانی sq< به معنی «بالا رفتن» دانسته است. این واژه در متون پهلوی بعنوان هزوارش با همان ریشه فوق بصورت SLKWTA به معنی «راز، سِر» بکار رفته نه با معنی «بالا رفتن، برآمدن»، بعبارت دیگر تنها در این متن است که این هزوارش با معنی واقعی خود مورد استفاده قرار گرفته است. این واژه در متون عبری وامواژه است، در ترجمه عبری زبور از فعل لازم ālāh< به معنی «بالا رفتن، صعود کردن، برآمدن» استفاده شده: >im->e<ĕlōh <al-<ereš yəsū<āy «بنابراین بر نخواهم آمد بر بسترگاه». با توجه به موارد بیان شده بنظر می‌رسد که هزوارش SLKWTA به معنی «راز» با اشتقاقات واژه و نیز معنی ریشه‌ای آن مطابقت ندارد. برای توضیح بیشتر نک. عریان ۱۳۷۷، ص ۱۵۹.

۱۰۴- نگاه کنید به یادداشت شماره ۷۲.

۱۰۵- واژه در متن اصلی blwy در حالیکه باید بصورت blwk می‌بود. مسئله دیگر اینکه در تمام متون زبور در برابر این واژه، واژه «مژگان» آمده که البته درست‌تر به نظر می‌رسد. در ترجمه فارسی: و نه پینکی به مژگان خویش؛ در ترجمه دیگر فارسی:...... ونوم به مژگانم نخواهم داد؛ در ترجمه عبری: ləap<apay tənūmā همانند ترجمه فارسی.

۱۰۶- در متن پهلوی زبور بصورت وامواژه: ifirtā = سریانی <prt> = efrata؛ عبری:

eprāṯā<؛ افراته نام سابق بیت لحم است: نک. Madeline, s.and Lane Miller, J.1925,169 نیز، نک. هاکس ۱۹۲۸، ص ۸۲.

۱۰۷- در ترجمه فارسی: اینکه ذکر آنرا در افراته شنیدیم، و آنرا در صحرای چنگل یافتیم؛ در ترجمه دیگر فارسی: اینکه شنیدیم که [صندوق عهد] در افراتا بود او را در کشتزارهای جنگل یافتیم؛ برابر با ترجمه ایتالیایی؛ترجمه عبری:hinnē-šəma<nūhā bəeprāṯā ؛ همانند ترجمه فارسی.

۱۰۸- در ترجمه فارسی: و مقدسانت ترنم نمایند؛ در ترجمه دیگر فارسی: و مقدسانت گلبانگ زنند؛ برابر با ترجمه ایتالیایی و عبری.

۱۰۹- آندریاس این فعل را بصورت OBNWN حرف نویسی کرده که در این صورت بهیچوجه دارای توجیه زبانی نیست، در حالیکه واژه فوق در متن اصلی OBRWN نیز قرائت می‌شود که می‌تواند گونه نوشتاری دیگری از OBLWN هزوارش widardan = «گذرکردن» باشد. برای وجوه اشتقاق و صورتهای گوناگون در زبانهای سامی، نک. عریان ۱۳۷۷، ص ۳۹۵-۳۹۴.

۱۱۰- مسح شده، روغن مالی شده.

۱۱۱- هزوارش این فعل در متن اصلی بصورت OŠTEN آمده و با فاصله‌ای از آن حرفی مانند t و ترکیب آن با حرفی دیگر دیده می‌شود. آندریاس این t را شناسه فعل بالاگرفته که در این صورت فعل به زمان حال تبدیل می‌شود و همخوانی خود را با متن از دست می‌دهد. این فعل بهتر است که بصورت گذشته بیاید زیرا فعل بعد نیز که با آن مربوط می‌شود دارای ساخت گذشته است.

۱۱۲- نک. یادداشت شماره ۱۰۸، با این تفاوت که در این بند ضمیر سوم شخص مفرد آمده است.

۱۱۳- در متن پهلوی زبور: swdy؛ آندریاس /s/ این واژه را بازسازی کرده است در حالیکه به گونه‌ای شکسته و تقریباً مخدوش دیده می‌شود.

۱۱۴- در ترجمه فارسی: در آنجا شاخ داود را خواهم رویانید؛ در ترجمه دیگر فارسی : در آنجا شاخ داود را شکفته خواهم نمود؛ در متن عبری فعل asmīḥa< از ریشه sāmaḥ به معنی: سبز شدن، جوانه زدن، روئیدن، درآمدن، بوجود آمدن، پدیدار یا ظاهر شدن و ناشی شدن، در جمله فوق به کار رفته است.

۱۱۵- نک. یادداشت شماره ۱۱۰.

۱۱۶- این عبارت در هیچیک از ترجمه‌ها نیامده است.

۱۱۷- در این قسمت تنها واژه widūdag = «اطاق و آرامشگاه عروس» آمده است، از این جهت قابل ترجمه نیست.

۱۱۸- در ترجمه فارسی: مثل روغن نیکو برسر است که به ریش فرود می‌آید یعنی به ریش هارون که بدامن ردایش فرود می‌آید؛ همانند ترجمه ایتالیایی ؛ در ترجمه دیگر فارسی: مثل روغن معطر است در سر، که به ریش یعنی به ریش هارون فرود می‌آمد که برگریبان جامه‌اش نزول می‌نمود.

۱۱۹- در ترجمه فارسی: که شبانگاه در خانه خداوند می‌ایستید؛ برابر با ترجمه ایتالیایی ؛ در ترجمه دیگر فارسی : که وقت شب در خانهٔ خداوند قیام می‌نمایید؛ همانگونه که ملاحظه می‌شود میان زمان بکار رفته در ترجمه‌های فارسی و ایتالیایی و نیز پهلوی تفاوت دیده می‌شود. ترجمه پهلوی دقیق‌تر به نظر می‌رسد هم به اعتبار روند و شیوه بیان متن و هم به اعتبار ترجمه سریانی و عبری و هم به اعتبار ضمیری که در آغاز متن پهلوی آن بصورت ōy-šān و در آغاز متن عبری بصورت hā آمده است. جمله در ترجمه عبری: hā<ōmdūm bəbīt-yəhwā ballīlōt = آنانکه می‌ایستند در خانه خداوند در شبها.

۱۲۰- صورت اصلاح شده از سوی آندریاس: wtym>skyhy؛ در متون پهلوی: wtym>syh؛ با توجه به اینکه متن در این بخش از ریختگی وسیعی برخوردار است از این روی به نظر نگارنده برگزیدن صورت متعارف شایسته‌تر است. این واژه با همین وضعیت در موارد دیگر نیز آمده است. از جمله نک. لوحه ۳ برگ ۳ رو، بند ۳.

۱۲۱- در اینجا اشاره به دو مسئله ضروری است. نخست اینکه بخش بیشین «لوحه ۱۰ رو» و نیز تمام «لوحه ۱۰ پشت» برپایه متن سریانی زبور باز ساخته آندریاس است و متن پهلوی آن دچار آسیب دیدگی بسیار وسیع شده است. دیگر اینکه عبارت اخیر در متن پهلوی زبور کوتاه شده است؛ بعبارت دیگر در ترجمه‌های فارسی و نیز ایتالیایی آمده: و عوج پادشاه باشان و جمع ممالک کنعان را؛ در ترجمه عبری نیز به همین صورت:

ūlə<ōg melek habāšān ūləkōl mamləkūt kənā<an.

۱۲۲- نگاه کنید به یادداشت شماره ۱۹.

۱۲۳- نگاه کنید به یادداشت شماره ۱۹.

۱۲۴- این واژه در متن پهلوی زبور به عنوان واژه دخیل بصورت hkym> = حکمت «آمده است؛ متن سریانی: bhkmth = به حکمت خود» ؛ در ترجمه عبری: bitbūnā = با بصیرت خود.

۱۲۵- در متن پهلوی زبور: phk>pty؛ در متن عبری: lərōqa> از فعل: rāqa> = گستردن،

پهن کردن.

۱۲۶- در متن پهلوی زبور: t>p>؛ مقایسه شود با ātāw در کردی؛ در سریانی: >šmš؛ در ترجمه عبری: haššemeš.

۱۲۷- در متن پهلوی زبور: lwsp = روز «که احتمالاً نشانه تاثیر گویش فارسی مسیحیان ایران بویژه نستوریان پارسی زبان است. در متن سریانی: >ymm>؛ در ترجمه عبری: bayōm = در روز

۱۲۸- در متن پهلوی زبور: dyšmy> = ماه، قمر، آیشم، نگاه کنید به برهان، ص ۷۳ و نیز همان، یادداشت ۷.

۱۲۹- نگاه کنید به یادداشت شماره ۱۹.

۱۳۰- این واژه در متن اصلی زبور از میان دچار آسیب شدید شده است، از این روی آندریاس آنرا بصورت myd>n بازسازی کرده است، این در حالی است که بصورت متعارف در متون پهلوی بصورت mdy>n آمده است.

۱۳۱- در متن پهلوی زبور: sūf=swpy = سرخ. درسریانی swp؛ در عبری: sūp̱.

۱۳۲- نگاه کنید به یادداشت شماره ۱۹.

۱۳۳- در متن پهلوی زبور، nhl>nyt؛ در متن عبری: ni<ēr = انداختن، هل دادن.

۱۳۴- نگاه کنید به یادداشت شماره ۱۹.

۱۳۵- در متن آندریاس: Ī bandag....؛ با توجه به ترجمه‌های موجود که عبارت «بندهٔ خویش» در آنها صراحت دارد و نیز آسیب متن اصلی زبور در همین عبارت می‌توان آ را به Ī-š اصلاح نمود.

۱۳۶- این واژه در متن اصلی زبور به شدت آسیب دیده است و از این روی آندریاس آنرا به صورت klṣky بازسازی و با احتمال به گوشت معنی کرده است. در ترجمه فارسی: که همه بشر را روزی می‌دهد؛ در ترجمه دیگر فارسی: آنکه نان را به همگی بشر می‌دهد؛ در ترجمه ایتالیایی: آنکه می‌دهد غذا به هر انسانی ؛ در ترجمه عبری: nōṯēn leḥem lәkāl-bāšār می‌دهد نان به همه انسانها. باتوجه به بازسازی احتمالی آندریاس و نبود اشتقاق برای آن و نیز اینکه می‌توان همان واژه را gursag به معنی گرسنه نیز قرائت نمود از این رو واژه به صورت فوق قرائت شده است.

۱۳۷- در متن پهلوی زبور: lwtst>n = رودستان، رود. این ترکیب در متون دیگر بکار نرفته است.

۱۳۸- در متن پهلوی زبور: nk>hšny، این صورت از واژه احتمالاً مربوط به گویش نستوریان

ایرانی است.

۱۳۹ـ نگاه کنید به یادداشت شماره ۲۰.

نمایه واژه‌های دخیل

فهرست منابع :

الف، فارسی:

آرتور، جفری ۱۳۷۲، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران.
برونر، کریستوفر ۱۳۷۶، نحو زبانهای ایرانی میانه غربی، ترجمه و تحقیق: سعیدعریان، تهران.
تبریزی، محمدحسین بن خلف ۱۳۳۵، برهان قاطع، باهتمام دکتر محمد معین، تهران.
تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش دکتر ژاله آموزگار، تهران.
حییم، سلیمان، ۱۳۴۴، فرهنگ عبری ـ فارسی، اسراییل.
رازی، نجم الدین ۱۳۸۱، مرموزات اسدی در مزمورات داودی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران.
سرمس، ویلیام، ۱۳۴۸، فرهنگ جامع فارسی آشوری، تهران.
عریان، سعید ۱۳۷۷، واژه نامه پهلوی ـ پازند (فرهنگ پهلوی) تهران.

کهن،ا، ۱۳۵۰، گنجینه‌ای از تلمود، به اهتمام امیرحسین صدری پور، تهران.
مشکور، محمدجودا ۱۳۵۷، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران.
معین، محمد ۱۳۴۲، فرهنگ فارسی، تهران.
هاکس، جیمز ۱۹۲۸، قاموس کتاب مقدس، بیروت.
هرن، پاول، هوبشمان، هاینریش ۲۵۳۶، اساس اشتقاق فارسی، ترجمه و تنظیم از جلال خالقی مطلق، تهران.

ب، زبانهای دیگر:

Andreas, F.C.,Barr, kaj, 1933, Bruchstücke Einer pehlevi-übersetzung der psalmen, von F.C. Andreas, Aus dem Nachlass herausgegeben von Kaj Barr. S.P.A.W.Phil.-hist. kl., 1933, pp. 91-152, 11pls.

Bartholomae, Christian, 1979, Altiranisches wörterbuch, Berlin.

Boyce, Mary, 1977, A word-list of Manichaean Middle persian and parthian, Leiden.

Dalman, G. 1938, Aramäisch-neuhebräisches Hand wörterbuch zu Targum, Talmud und Midrasch, 2, Aufl. Göttingen.

Ebeling, Erich, 1941, Das Aramäische-Mittelpersische Glossar Frahang i pahlavik im lichte Assiriologische, Forschung, Leipzig.

Gesenius, William, 1907, Hebrw and English Lixicon of The old Testament, Oxford.

Gignoux, philippe, 1972, Glossair des inscriptions pehlevies et parthes, Londen.

Miller, Madeleine, S.and Miller, J.Lane, 1952, Harper's Bible Dictionary, U.S.A.

Payne, Smith, J. 1957, A compendious syriac Dictionary, Oxford.

Pearson,J.D. 1975, A Bibliography of pre-Islamic persia, London.

Rosenthal, Franz, 1967, An Aramaic Handbook, part 1,2, Wiesbaden.

پ. متن‌ها:

انجیل برنابا، ۱۳۷۹، ترجمه علامه حیدرقلی سردار کابلی، ویراستار جمشید غلامی نهاد.
کتاب المقدس و هوکتب العهدالعتیق، ۱۸۷۸، ولَیم گلِن قسیس اکسی، انگلستان.
کتاب مقدس یعنی کتب عهد عتیق و عهد جدید ۱۹۷۸، مترجم؛ انجمن کتاب مقدس، تهران.
کتابهایی از عهد عتیق، کتابهای قانونی ثانی، براساس کتاب مقدس اورشلیم، ۱۳۸۰، ترجمه پیروز سیار، تهران.
Hebrew Bible, 1970, Norman Henry snaith, Israel.
La sacra Bibbia, 1980, Giovanni Diodati, Roma,
The Holy Bible, 1945, Authorized king James version, C.I.Sofield, New york.

لوحه ۱



برگ ۱ رو. مزمور ۲۳-۹۴/۱۷

لوحه ۱

برگ ۱ پشت. مزمور ۹۵/۲-۷

لوحه ۱



برگ ۱۰ رو. مزمور ۲/۱۳۴-۲/۱۳۳



برگ ۱۰ پشت. مزمور ۱۱-۸/۱۳۴



برگ 13a



برگ 13b

لوحه ۲

برگ ۲ رو. مزمور ۹۵/۷-۹۶/۲

لوحه ۲

برگ ۲ پشت. مزمور ۱۰-۲/۹۶

لوحه ۳

برگ ۳ رو. مزمور ۹۸/۷-۹۷/۱۲

لوحه ۳

برگ ۳ پشت. مزمور ۹۸/۷-۹۹/۶

لوحه ۴

برگ ۴ رو. مزمور ۱۳۳-۱۲۴/۱۱۸

لوحه ۴

برگ ۴ پشت. مزمور ۱۴۲-۱۳۳/۱۱۸

لوحه ۵

برگ ۵ رو. مزمور ۱۲۱/۴-۱۲۲/۴

۵

برگ ۵ پشت. مزمور، قانون / ۱۲۲/۴-۱۲۴

لوحه ۶

برگ ۶ رو. مزمور ۱۲۵ ـ قانون / ۱۲۴

لوحه ۶

برگ ۶ پشت. مزمور ۱۲۵/۴-۱۲۶/۳

لوحه ۷

برگ ۷ رو. مزمور ۱۲۶/۳-۱۲۷/۵

لوحه ۷

برگ ۷ پشت. مزمور ۱۲۸/۷-۱۲۷/۵

لوحه ۸

برگ ۸ رو. مزمور ۱۲۹/۸–۱۲۸/۷

لوحه ۸

برگ ۸ پشت. مزمور ۱۳۱/۳–۱۲۹/۸

لوحه ۹

برگ ۹ رو. مزمور ۱۲-۳/۱۳۱

لوحه ۹

برگ ۹ پشت. مزمور ۲/۱۳۲-۱۲/۱۳۱

لوحه ۱۰

برگ ۱۱ رو. مزمور ۲۱-۱۱/۱۳۴

لوحه ۱۰

برگ ۱۱ پشت. مزمور ۱۳۴/۲۱-۱۳۵/۹

لوحه ۱۱

برگ ۱۲ رو. مزمور ۱۳۵/۹-۲۰

لوحه ۱۱



برگ ۱۲ پشت. مزمور ۳/۱۳۶-۲۰/۱۳۵

پهلوی	
کتابی	زبور
[illegible]	[illegible]

جدول نشانه‌های نوشتاری پهلوی زبور، و پهلوی کتابی